

اجتهاد چندمرحله‌ای روش تحقیق مناسب برای فقه مالی

سیدعباس موسویان

دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. قم. ایران.

samosavian@yahoo.com

رسول خوانساری

دانشجوی دکترای مدیریت مالی دانشگاه تهران. تهران. ایران.

r.khansari@gmail.com

چکیده

دین اسلام با طراحی چهارچوب و اصول اقتصادی که دانش فقه آن را معرفی می‌کند از اندیشمندان اقتصادی و مالی می‌خواهد که در این چهارچوب به ابزارسازی مبادرت کنند؛ به بیان دیگر، وظیفه متفکران مالی طراحی ابزارهای مالی است و وظیفه فقیه مالی بررسی ابزارهای ایجادشده به منظور تطابق آن با احکام اسلامی است. این ابزارها که براساس نیازهای جامعه از سوی اندیشمندان اقتصادی طراحی می‌شود، باید با موازین فقهی تطبیق داده شوند و به تأیید برسند؛ به بیان دیگر، شناسایی نیازها و ایجاد ابزارها و شیوه‌های نوین مالی در چهارچوب مبانی دین اسلام و احکام اقتصادی آن، وظیفه پژوهشگران مالی و نهادهای مسئول است و دانش فقه و فقیه با ارائه چهارچوب کلی نظام مالی اسلام بر پایه احکام شریعت، این ابزارها را تأیید یا رد یا اصلاح می‌کند.

چالشی که به صورت مشخص پژوهش‌های فقه اقتصادی به ویژه فقه مالی با آن مواجه‌اند، بین‌رشته‌ای بودن موضوعات و نبود یک روش تحقیق علمی در این زمینه

است؛ از یک‌سو، متخصصین و طراحان ابزارها و شیوه‌های مالی تسلط کافی بر ظرافت‌های فقهی ندارند و نمی‌توانند حکم شرعی ابزار را استنباط کنند و اگر هم بخواهند موضوعات را برای مراجع تقلید تبیین کنند و از طریق استفتا حکم شرعی ابزار را به‌دست آورند، با حساسیت‌های لازم فقهی در زمینه موضوع‌شناسی آشنا نیستند؛ از طرف دیگر، این ابزارها چنان پیچیده هستند که نمی‌توان به جواب یک استفتای ساده که در بسیاری از ابعاد، جزئیات و کاربردهای ابزار مالی تشریح نشده اعتماد کرد.

در این مقاله می‌کوشیم تا الگوی مناسبی برای بررسی موضوعات فقهی در حوزه دانش مالی را طراحی کنیم، به گونه‌ای که پژوهشگران این حوزه بتوانند با استفاده از یک رویه مشخص، به نتایج معتبرتری دست یابند. در این الگو که روش اجتهاد چندمرحله‌ای نامیده شده است، ابتدا ابعاد فقهی مربوط به مسئله موردنظر مالی توسط پژوهشگر بررسی می‌شود و از طریق منابع مکتوب و شفاهی جنبه‌های مختلف بحث مدنظر قرار می‌گیرد. سپس با شناسایی خبرگان فقهی-مالی، نظرات تخصصی فقهی در رابطه با مسئله موردنظر دریافت می‌شود و پس از پردازش اطلاعات مباحث جمع‌بندی می‌شود. در صورت موافقت اکثریت خبرگان با بحث فقهی مدنظر پژوهشگر، نظرات مخالف به افراد موافق عرضه می‌شود، در صورتی که موافقان از پاسخ مخالفان اکتان شدند، مدل طراحی شده یا موضوع بررسی شده توسط پژوهشگر رد می‌شود و لازم است با واکاوی بیشتر اصلاحات لازم را اعمال کند و در صورتی که موافقان براساس پاسخ مخالفان اکتان نشدند پاسخ آنان به مخالفان ارسال می‌شود، زمانی که پژوهشگر به اطمینان کافی از تبیین مسئله رسید، با بیان نکات حساس مسئله موردنظر جهت استفتا به مراجع تقلید عرضه می‌شود و در صورت تأیید مراجع، الگوی نهایی فقهی در رابطه با مسئله موردنظر استخراج می‌شود و در صورت عدم تأیید ابزار طراحی شده رد شده یا جهت اصلاح به خبرگان فقه مالی ارجاع می‌شود تا بعد از رفع اشکال دوباره از مراجع استفتا شود.

کلیدواژه‌ها: روش تحقیق، دانش مالی اسلامی، فقه مالی، اجتهاد چند مرحله‌ای.

دین مبین اسلام اصول راهنما و مجموعه‌ای از قوانین و مقررات را برای همه جنبه‌های زندگی بشر از جمله در امور اقتصادی و مالی ارائه کرده است. اسلام مال و ثروت را مایه استواری جامعه و به مثابه ستون فقرات جامعه انسانی می‌داند. فرد یا جامعه‌ای که فاقد مال هستند، از آن جهت فقیرند که ستون فقرات اقتصادی آنها شکسته و قوام و مقاومت ندارند، زیرا فقیر کسی است که مهره کمرش شکسته و قدرت ایستادن و ایستادگی را از دست داده است. چنین فرد و جامعه‌ای استقلال خود را از دست می‌دهند (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ص ۵۷۱). قرآن کریم نیز مال را مایه و پایه قوام و قیام انسان‌ها دانسته است: «أَمْوَالِكُمْ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» (نساء: ۵)؛ از این رو، شناخت و یادگیری علوم و فنونی که بتواند به افراد و جوامع در مدیریت تولید، انباشت و توزیع اموال و ثروت کمک کند، تأثیر زیادی بر حفظ استقلال و قدرت اقتصادی آنها دارد.

دانش مالی اسلامی یکی از رشته‌هایی است که در چند سال گذشته و به ویژه پس از بحران مالی جهانی به آن توجه شده و رشد شتابانی پیدا کرده است. بازارهای مالی با انتقال وجوه از دارندگان وجوه مازاد به متقاضیان وجوه، نقش واسطه بین این دو گروه را ایفا می‌کنند. هرچه تنوع روش‌ها، نهادها و ابزارهای مالی استفاده‌شده در این بازارها بیشتر باشد، امکان مشارکت افراد بیشتر با اهداف، سلیقه‌ها و روحیات متنوع فراهم می‌شود و بستر مناسب‌تری برای رونق اقتصادی مهیا می‌شود؛ از این رو، فعالان بازارهای مالی می‌کوشند تا با نوآوری‌های خود به تنوع ابزارها و شیوه‌های تأمین مالی، سرمایه‌گذاری، پوشش ریسک و ... بيفزایند و البته این امر پیچیدگی بازارها را نیز افزایش خواهد داد. از آنجاکه آغاز طراحی و به‌کارگیری بسیاری از روش‌ها و ابزارهای مالی از کشورهای غربی بوده و براساس مبانی ارزشی و حقوقی آنها شکل گرفته است، در مواردی با مبانی ارزشی، فقهی و حقوقی اسلام سازگار نیستند؛ از این رو، اندیشمندان مالی اسلامی کوشیده‌اند با بررسی این روش‌ها و ابزارها، دیدگاه اسلام در رابطه جواز یا عدم جواز استفاده از آنها را اعلام کنند و بر این اساس به اصلاح روش‌ها و ابزارهای موجود یا طراحی ابزارها و شیوه‌های جدید پردازند. طی سالیان گذشته، نهادها، روش‌ها و ابزارهای مختلف مالی از نظام متعارف وارد کشورهای اسلامی شده است و بسیاری از آنها برای زمان کوتاهی درخشش خوبی نیز داشته‌اند. اما پس از روشن شدن ماهیت آنها، تنها آن گروه که با باورها و ارزش‌ها و فرهنگ دینی مردم سازگار بودند، ماندگار شده و بقیه دچار چالش شده یا به ضعف گراییده‌اند؛ از این رو، شرط موفقیت هرگونه ابزار یا روش اقتباس‌شده از نظام مالی متعارف آن است که در عین اینکه با شاخص‌های کلان و خرد

اقتصادی و مالی سازگار است، باید بر اصول و قواعد شریعت اسلام منطبق باشد (موسویان، ۱۳۹۱: صص ۴۶-۴۵).

مطابق تعالیم اسلام به‌ویژه آیات متعددی از قرآن، اسلام دینی جهان‌شمول و برای همه انسان‌ها است و از منظر گستره آموزه‌ها، کامل‌ترین ادیان و پیامبرش خاتم‌النبیین است و مسئولیت هدایت بشر در عرصه‌های مختلف زندگی و رساندن او به کمال مقصود را بر عهده دارد. بر این اساس، انتظار می‌رود در عرصه مسائل اقتصادی نیز همراه با پیشرفت علم و فناوری و پدیدارشدن نیازها و روابط اقتصادی و مالی جدید، نقش هدایتی خود را ایفا کند و با ارائه راهکارهای مناسب و روابط حقوقی مجاز، زمینه‌ساز پیشرفت و ترقی اقتصادی مسلمانان بوده و آنها را از افتادن در راه‌های انحرافی و تخریب کرامت انسان‌ها باز دارد. دین اسلام، مسلمانان را در چهارچوب قراردادهای رایج در عصر رسالت محصور نکرده و همه قراردادهای عقلایی را با رعایت معیارها و ضوابطی جایز می‌داند. حتی فراتر از این، با ارائه خطوط کلی، اندیشمندان را به تفکر و تأمل و طراحی ابزارهای نوین مالی و ابداع قراردادهای متناسب با عصر و زمان خود فرامی‌خواند (موسویان، ۱۳۹۱: صص ۶۴-۶۳). البته دین اسلام با ارائه ضوابط عمومی و اختصاصی حاکم بر معاملات و روابط، چهارچوب‌های کلی را مشخص کرده و اجازه تخطی از آنها را نداده است. ضوابط عمومی، قوانینی هستند که به یک معامله خاص اختصاص ندارند و در بیشتر معاملات جریان می‌یابند. ممنوعیت ربا، ممنوعیت ضرر، ممنوعیت غرر و ممنوعیت اکل مال به باطل در کنار شرایط عمومی طرف‌های قرارداد (مانند بلوغ، رشد، رضایت و...) و مورد معامله از جمله مهم‌ترین ضوابط عمومی حاکم بر معاملات به‌شمار می‌آیند. ضوابط اختصاصی، شرایطی است که به‌طور خاص در برخی معاملات تعیین شده است. مانند اختصاص قرارداد مضاربه به امور بازرگانی، لزوم پرداخت کل ثمن به‌صورت نقدی در قرارداد سلف و...

پژوهشگران عرصه مالی اسلامی می‌کوشند تا با طراحی ابزارها و محصولات جدید و رفع چالش‌های پیش‌رو، مسیر رشد آن را هموارتر کنند. اگر ابزارها و شیوه‌های مالی در جامعه اسلامی، توسط پژوهشگران و بر پایه نیازهای جامعه طراحی شود، چنان‌چه با مبانی دینی سازگار نباشد، از سوی فقه رد خواهد شد؛ از طرف دیگر، امکان دارد ابزارها و شیوه‌های مالی در جامعه غربی و از سوی متفکر غیرمسلمان طراحی شود، اما از منظر اسلام مشروع باشد و بالطبع فقه بر آن مهر تأیید خواهد زد. متأسفانه پژوهشگران مالی اسلامی، به‌ویژه در زمینه مباحث فقه مالی، عموماً بدون داشتن روش تحقیق مشخص یا با تکیه بر روش‌های تحقیق متعارف که شاید تناسب چندانی

با ماهیت دانش مالی به‌ویژه در ابعاد فقهی آن نداشته باشد، به پژوهش در این حوزه می‌پردازند. این امر موجب شده تا در برخی موارد اعتبار دستاوردها و نتایج پژوهش به چالش کشیده شود و نتوان با اطمینان خاطر از نتایج حاصل استفاده کرد؛ از این رو، به نظر می‌رسد طراحی و تدوین روش‌هایی که بتواند به‌عنوان الگوی عملی در پژوهش‌های فقهی مالی مورد استفاده پژوهشگران قرار گیرد، نقش مؤثری در افزایش اعتبار دستاوردهای پژوهشی و ارتقای جایگاه دانش مالی اسلامی ایفا کند. این مقاله می‌کوشد تا الگوی اجتهاد چندمرحله‌ای برای بررسی موضوعات فقهی در حوزه دانش مالی را طراحی کند تا پژوهشگران این حوزه از طریق آن بتوانند با استفاده از یک رویه مشخص، به نتایج معتبرتری دست یابند. بدین منظور ابتدا دانش مالی و مالی اسلامی به‌عنوان یکی از شاخه‌های علوم انسانی معرفی می‌شود و پویایی و نوآوری موجود در آن تبیین می‌شود. سپس به تبیین نقش و جایگاه فقه در بررسی موضوعات مالی پرداخته می‌شود و ضمن بررسی جایگاه عقل و استدلال در بررسی موضوعات فقهی، به اهمیت و نقش موضوع‌شناسی در فرایند اجتهاد اشاره می‌شود. پس از آن ضمن معرفی بنیان‌ها و روش‌های پژوهش در علوم انسانی، وضعیت موجود روش تحقیق در مباحث فقه مالی بررسی شده و با تبیین چالش‌ها و آسیب‌های آن، الگوی اجتهاد چندمرحله‌ای تبیین می‌شود.

دانش مالی و مالی اسلامی

فرهنگ واژگان مالی پالگریو، مالیه یا دانش مالی^۱ را به‌صورت «قلمروی گسترده‌ای از مطالعه و کاربرد مربوط به مباحث پول، بانکداری، سرمایه‌گذاری، بیمه و مدیریت ریسک» معرفی کرده است (بنکز، ۲۰۱۰: ص ۱۷۵). گیتمن و زوتر (۲۰۱۴: ص ۴)، دانش مالی را «هنر و علم مدیریت پول» تعریف کرده‌اند؛ در واقع، افراد و سازمان‌ها پس از به‌دست آوردن پول آن را مصرف یا سرمایه‌گذاری می‌کنند.

مالی اسلامی، نظام مالی منطبق بر شریعت اسلام است که اصول و قواعد حاکم بر معاملات اسلامی در آن جاری است. با توجه به تعاریف ارائه‌شده درباره دانش مالی متعارف، شاید بتوان مالی اسلامی را چنین تعریف کرد: «دانش و هنر مدیریت اموال و ثروت در چهارچوب اصول و قواعد شریعت اسلام». مالی اسلامی تنها نظام مالی در جهان امروز است که بر پایه تعالیم یکی از ادیان الهی شکل گرفته و روزه‌روز توجه بیشتری از جانب مسلمانان و حتی غیرمسلمانان را

به خود جلب می‌کند. در حالی که نظام مالی متعارف به دلیل نارسایی‌ها و تأثیرات زیان‌بارش بر اقتصاد، در معرض از دست دادن اعتبار خویش در سطح جهان است. نظام مالی منطبق بر شریعت، با رشد فزاینده‌ای در حال تسری به مناطق مختلف جهان است. در مالی اسلامی از معاملات و روش‌های مبتنی بر ربا، غرر، قمار و... منع می‌شود و معاملات واقعی اقتصادی مانند تجارت، سرمایه‌گذاری بر اساس تسهیم سود و سایر روش‌های منطبق با شریعت مجاز شمرده می‌شود. بسیاری از ویژگی‌های مالی اسلامی را می‌توان در دیگر مذاهب و نظام‌های اخلاقی نیز یافت. برای مثال ممنوعیت ربا در همه ادیان ابراهیمی یعنی مسیحیت، اسلام و یهود وجود دارد. در قوانین هندو، قانون همورابی^۱، ماگنا کارتا^۲، قوانین روم باستان و حتی بسیاری از ایالات کشور امریکا پیش از سال ۱۹۸۱ نیز ربا محدود شده بود (حسن و مالکنشت، ۲۰۱۱: ص ۲۶).

مالی اسلامی در عرصه عمل، یک صنعت نوپا ولی با روند رشد سریع در مقایسه با مالی متعارف است. در این میان آسیای جنوب شرقی و خاورمیانه بیشترین سهم را در رشد این صنعت داشته‌اند. مالی اسلامی تلاش می‌کند تا جایگزین واقعی، بادوام و اخلاقی برای نظام مالی متعارف در دنیا ارائه کند. پس از بحران مالی بزرگی که در سال ۲۰۰۸ رخ داد و اقتصاد دنیا را به عمیق‌ترین رکود پس از جنگ جهانی دوم فرو برد، انتقادات به نظام بانکداری و مالی متعارف فزونی یافت و توجه به بانکداری و مالی اسلامی به عنوان نظام جایگزین بیشتر شد. در حال حاضر مالی اسلامی در بیش از ۶۵ کشور دنیا وجود دارد که در میان آنها کشورهای ایران، عربستان و مالزی پیشگام بوده‌اند (تیاگاراچا و همکاران، ۲۰۱۴: ص ۱۳).

صنعت مالی اسلامی نرخ رشد متوسط ۱۷ درصد سالانه را بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ تجربه کرده و حجم دارایی‌های این صنعت در پایان سال ۲۰۱۵ به ۱/۸۸ تریلیون دلار رسیده است (IFSB، ۲۰۱۶: ص ۷). این صنعت در بخش‌هایی چون بانکداری اسلامی، انتشار اوراق بهادار اسلامی (صکوک)، صندوق‌های سرمایه‌گذاری اسلامی و بیمه فعال است که در این میان بانکداری اسلامی با حجم دارایی‌های نزدیک به ۱/۴۹ تریلیون دلار در پایان سال ۲۰۱۵، بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است. نکته قابل توجه آن است که کشور ایران با داشتن بیش از ۴۰

۱. قانونی مشتمل بر ۲۸۲ بند که توسط همورابی، پادشاه بابل، در قرن هجدهم پیش از میلاد مسیح (علیه السلام) ابلاغ شد.

۲. The Magna Carta: قانون اساسی بریتانیا که قدرت شاهان را محدود می‌کرد و متضمن حقوق و آزادی‌های مدنی بود. در سال ۱۲۱۵ توسط پادشاه جان اول ابلاغ شد.

درصد دارایی‌های بانکی، بیشترین سهم را در بین کشورهای دنیا دارد (IFSB, ۲۰۱۶: ص ۹). گرچه حجم دارایی‌های مالی اسلامی در مقایسه با دارایی‌های مالی متعارف چشمگیر نیست، به دلیل رشد سریع این صنعت و عملکرد بهتر آن در بحران مالی، بسیاری از فعالان مالی معتقدند این صنعت می‌تواند به جایگزینی برای نظام مالی متعارف تبدیل شود (تیاگاراچا و همکاران، ۲۰۱۴: ص ۱۳).

پویایی و نوآوری در مالی اسلامی

دانش مالی یکی از علمی است که پویایی و نوآوری فراوانی در آن جریان دارد. به طوری که برخی دانش مالی را شکلی از مهندسی می‌دانند که در آن ابتکارات و اختراعات بسیاری پدید می‌آید. تا چند دهه گذشته، ابزارهای مشتقه یا مشتقات^۱ (همانند قرارداد آتی، اختیار معامله، سوآپ و...) وجود نداشت. ولی امروزه، صدها نوع از این ابزارها با ویژگی‌ها و اهداف گوناگون طراحی و استفاده می‌شود و هر روز نیز تعداد آنها افزایش می‌یابد. در این میان برخی عوامل همچون رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات بر روند شتابان تغییر و تحول در دانش مالی تأثیرگذار بوده است. تحولات دانش مالی در حوزه‌های مختلف مالی و از جمله مالی اسلامی همچنان ادامه دارد. باید توجه داشت که گرچه شریعت اسلام برخی محدودیت‌ها و ضوابط را برای امور مالی در نظر می‌گیرد، این محدودیت‌ها و ضوابط مانعی بر سر راه نوآوری نیست و هدف از آنها ایجاد نظم و انسجام در امور و جلوگیری از هرج و مرج در امور مالی و معیشت انسان‌ها و نابودی بنیان‌های اقتصادی جوامع است. البته هرگونه نوآوری و خلاقیت باید در چهارچوب اصول اخلاقی و شرعی پذیرفته شده در اسلام جای گیرد.

طی چند دهه گذشته، اندیشمندان اسلامی تلاش کرده‌اند تا اصول و قواعد اقتصادی و مالی اسلامی را به شیوه‌ای نوین تبیین کنند و تاکنون پژوهش‌های فراوانی در حوزه اقتصاد و مالی اسلامی انجام شده است. با این وجود هنوز هم ابهام‌ها و انتقاداتی درباره تعریفی دقیق برای علوم اجتماعی همراه با پیشوند «اسلامی» از جمله «اقتصاد اسلامی» و «مالی اسلامی» وجود دارد. یکی از دلایل این امر تمایل به بررسی جنبه‌های گوناگون این نظام‌ها به طور جداگانه و نه در قالب یک مجموعه کلی است. برای مثال در بسیاری از اوقات اصطلاح «مالی اسلامی» به نظامی اطلاق می‌شود که «بهره» در آن ممنوع است. چنین توصیف ساده‌ای نه تنها غیردقیق است، خود موجب ابهام بیشتر

۱. گروهی از ابزارهای مالی که ارزش آنها از قیمت دارایی‌های پایه مشتق می‌شود (بنکر، ۲۰۱۰).

می‌شود؛ ازسوی دیگر، متأسفانه برخی نویسندگان بدون داشتن دانش کافی از اسلام، پیشینه و منابع اصلی آن و حتی بدون آشنایی با زبان عربی، به‌طور آزادانه درباره‌ی این موضوعات اظهارنظر می‌کنند (اقبال و میرآخور، ۲۰۱۱: ص ۱).

گشوده‌بودن باب اجتهاد، یکی از ارزشمندترین ویژگی‌های مذهب تشیع است که نمی‌توان جایگزینی برای آن یافت و خود بستری برای نوآوری‌ها و مسائل مستحدثه جدید از جمله در زمینه امور مالی فراهم می‌کند. استمرار اجتهاد، فقیه را در استنباط احکام مربوط به موضوع‌های تازه و بی‌سابقه از دو منبع نقل و عقل یاری می‌کند. موضوع‌های جدید، همواره با تحولات جدید اجتماعی چهره می‌نمایند و فقیه به تناسب شرایط اجتماعی تازه، ضرورت تحقیق درباره‌ی احکام پوشیده‌ای که تاکنون از معرفت آنها بی‌بهره بوده را احساس می‌کند و استنباط احکام موضوع‌های تازه و بی‌سابقه را براساس اصول و قواعد شرعی و بدون اعمال سلیقه و پندار شخصی خود آغاز می‌کند. بدون شک شناخت دقیق این موضوع‌ها، شرط اساسی برای استنباط حکم مربوط به آنها است؛ زیرا علاوه بر آنکه هر حکم، مترتب بر موضوع مختص به خود است، شناخت دقیق موضوع‌های جدید که متأثر از مسائل و حوادث جدید است، فقیه را با زمان خود و مقتضیات آن آشنا می‌کند و او را در یافتن برخی از مناسبات عقلی احکام و موضوع‌ها و شناخت برخی از شواهد عقلی مربوط به آشکارشدن احکام یاری می‌کند؛ درواقع، با آگاهی از زمان و حوادث مربوط به آن راه استنباط احکام الهی از منابع شرعی همواره باز است (جوادی آملی، ۱۳۸۶).

فقه مالی و کاربرد آن در مالی اسلامی

فقه در لغت به معنای فهم، فطانت و درک دقیق و عمیق آمده است و حقیقت آن شکافتن و گشودن است (مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۷، صص ۷۱۶-۷۱۴). واژه فقه در قرآن و سنت کاربرد گسترده‌ای دارد و به همان معنای لغوی، یعنی فهم عمیق از معارف و آموزه‌های اسلامی به‌کار رفته و اختصاص به حوزه خاصی از دین ندارد (منافقون: ۳ و ۷؛ انعام: ۹۸؛ اسراء: ۴۴ و ۴۶). ولی به تدریج در اصطلاح فقها این واژه به شاخه‌ای خاص از علوم دینی (احکام شرعی فرعی) اختصاص یافته است؛ از این رو، فقه در اصطلاح فقها عبارت از علم به احکام شرعی فرعی از ادله تفصیلی آن است (همان)؛ درواقع، علمای اسلام با الهام از برخی روایات، تعالیم اسلامی را به سه بخش «عقاید»، «اخلاق» و «احکام و قوانین عملی» تقسیم کرده‌اند. آنان کلمه فقه را فقط درباره «احکام و قوانین عملی اسلام» به‌کار برده‌اند (ویکی فقه، ۱۳۹۵).

مقصود از ادله تفصیلی در تعریف مطرح شده، منابع فقه‌اند که به ادله اربعه مشهور هستند و احکام شرعی فرعی از آنها به دست می‌آید. این منابع مطابق مذهب شیعه امامیه عبارت‌اند از کتاب، سنت، اجماع و عقل (مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۷: ص ۷۱۶). حسنی و علی‌پور (۱۳۸۶: ص ۹) در تعریف اجتهاد دینی آورده‌اند: «اجتهاد دینی عبارت است از کوشش علمی بر اساس منابع معتبر، به واسطه ابزار و عناصر لازم برای تفهیم، اکتشاف و استخراج مطلق آموزه‌های دین به گونه‌ای که از اعتبار (حجیت یا صرفاً منجزیت و معذرت) بهره‌مند باشد».

برخی از مهم‌ترین ابزار و شرایط اجتهاد دینی عبارت‌اند از: آشنایی با دانش ادبیات عرب و علوم بلاغی زبان عربی، آشنایی با علوم منطق، آشنایی با اصول استنباط، آشنایی با علم رجال، شناخت قرآن و سنت، تمرین داشتن و بهره‌مندی از توانایی کافی در فرایند اجتهاد، آشنایی با استنباط‌های مجتهدان نزدیک به زمان صدور نصوص دینی، آگاهی از برخی علوم همگن با علم اصول مانند سمانتیک، هرمنوتیک، فلسفه تحلیلی و... آشنایی با مبانی معرفت‌شناختی، وجودشناختی یا فلسفی و کلامی اجتهاد (حسنی و علی‌پور، ۱۳۸۶: ص ۱۱-۱۳).^۱

احکام شرعی به دو بخش کلی تکلیفی و وضعی تقسیم می‌شود. احکام تکلیفی عبارت است از بایدها و نبایدهای الزامی و غیرالزامی که به طور مستقیم مرتبط با فعل مکلف است و به پنج نوع واجب، مستحب، حرام، مکروه و مباح تقسیم می‌شود. احکام وضعی به طور مستقیم مرتبط با فعل مکلف نیست و بیشتر موضوع حکم تکلیفی قرار می‌گیرد، مانند طهارت و نجاست که وصف اعیان خارجی است و یا صحت و فساد که وصف اعمال عبادی و یا عقود و ایقاعات قرار می‌گیرد. قید «ادله تفصیلی» علم مقلد به فتاوی مرجع تقلیدش را خارج می‌کند؛ زیرا علم مقلد، فقه اصطلاحی نیست؛ بنابراین، علم فقه به علمی که از روی اجتهاد باشد اختصاص دارد؛ چنان‌که بر فقیه عنوان مجتهد اطلاق می‌شود (مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۷: ص ۷۱۶).

در مذهب فقهی شیعه، باب اجتهاد باز است و حرکت آن به سمت رشد و کمال و پویایی ادامه دارد و تقلید مجتهدی از مجتهد دیگر حرام و بر هر مکلفی اجتهاد یا تقلید واجب است. گشوده‌بودن باب اجتهاد منشأ تحول و تطور شگرف فقه در طول حیات خود از آغاز تاکنون شده است؛ هم از لحاظ گستره مباحث و مسائل متناسب با شرایط و مقتضیات زمان و هم از بعد ژرف‌نگری و عمق بخشی به دانش فقه (مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۷: ص ۷۱۶).

۱. در باب کمیت و کیفیت موارد ذکر شده بین مجتهدان و عالمان اسلامی اختلاف نظر وجود دارد.

فتوای فقیه جامع شرایط، هرچند برای خود و مقلدانش حجت و قابل استناد است، این بدان معنا نیست که فتوای او حکم واقعی است؛ بلکه از نوع حکم ظاهری است که گاه با حکم شرعی واقعی مطابقت ندارد؛ بنابراین، در فقه امامیه، تصویب (مطابق با واقع بودن همه آرا و نظرات مجتهد) مردود و غیرقابل پذیرش است و حجیت فتوای مجتهد برای خود و مقلدانش چیزی فراتر از معذربودن در مقام عمل نیست (همان).

دسته‌بندی‌های گوناگونی برای مباحث فقهی از علمای متقدم تا علمای متأخر صورت گرفته است. مشهورترین تقسیم‌بندی که مبنای عمل بسیاری از متأخران قرار گرفته، براساس کتاب شرایع الاسلام بدین شرح است:

الف- عبادات: طهارت، نماز، زکات، خمس، روزه، اعتکاف، حج، عمره، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر.

ب- عقود: تجارت، رهن، ضمان، صلح، شرکت، مضاربه، مزارعه، مساقات، ودیعه، عاریه، اجاره، وکالت، وقف، صدقات، سکنی و تحبیس، هبه، سبق و رمایه، وصیت و نکاح.

ج- ایقاعات: طلاق، خلع و مبارات، ظهار، ایلاء، لعان، عتق، تدبیر و مکاتبه و استیلاء، اقرار، جعاله، ایمان و نذر.

د- احکام: صید و ذباحت، اطعمه و اشربه، غضب، شفعه، احیای موات، لقطه، فرایض، قضا، شهادت، حدود و تعزیرات، قصاص و دیات (محقق حلی، ۱۴۰۳ ق. ص ۴۵).

باید توجه داشت آنچه به‌عنوان اجتهاد در تشیع پذیرفته شده، با اجتهاد رأی مشهور بین اهل سنت متفاوت است. اجتهاد رأی به معنی وضع حکمی است که در کتاب و سنت نیست و مجتهد با فکر و رأی خودش وضع می‌کند. اهل تسنن این‌گونه اجتهاد را جایز می‌دانند و به‌عنوان منبع تشریح در عرض کتاب و سنت قرار می‌دهند. اجتهاد رأی در نظر اهل سنت به اشکالی مانند قیاس (حکم‌دادن براساس موارد مشابه)، استحسان (حکم‌دادن براساس نزدیکی به حق و عدالت مبتنی بر ذوق و عقل)، استصلاح (تقدیم مصلحتی بر مصلحت دیگر) و تأویل (صرف نظر از مدلول نصوص دینی و مقدم دانستن رأی اجتهادی) صورت می‌گیرد (مطهری، ۱۳۸۲: صص ۱۳۰-۱۲۹). ولی اجتهاد رأی از نظر شیعه، خواه به‌عنوان یک منبع تشریح و تقنین و خواه به‌عنوان وسیله استنباط و استخراج حکم واقعی، ممنوع است. زیرا در نظر شیعه حکم تشریح نشده (ولو به‌طور کلی) به‌وسیله کتاب و سنت وجود ندارد و نیز قیاس و امثال آن از نوع گمان‌ها و تخمین‌هایی است که در احکام شرعی زیاد به‌خطا می‌رود؛ بنابراین، به اعتقاد شیعه همه اشیا و افعال در واقع حکمی دارند و

مجتهد با استفاده از ادله تفصیلی در صدد کشف حکم شرعی واقعی است و به همین جهت ممکن است فقیه در اجتهاد (کشف حکم واقعی) مصیب یا مخطی باشد.

جایگاه عقل و استدلال در مباحث فقهی

قوانین اسلامی بر اساس مصالح و مفاسد موجود در زندگی بشر است و به همین دلیل در سیستم قانون‌گذاری اسلام راهی برای عقل باز شده است (مطهری، ۱۳۸۱: ص ۲۹۳). از ثبوت شریعت به «قانون‌گذاری» یاد می‌شود و از اثبات آن به «قانون‌شناسی». مرحله نخست یعنی قانون‌گذاری، منحصرأ در اختیار خدا است و پس از مرحله دوم یعنی وحی‌یابی درباره قانون‌شناسی که منحصرأ به انسان کامل معصوم (علیه‌السلام) ارائه می‌شود، نوبت به مرحله سوم می‌رسد که دومین مقطع قانون‌شناسی است و آن اینکه جامعه بشری با برهان عقلی یا دلیل معتبر نقلی کشف می‌کند قانونی که خدا به پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) آموخت چیست؛ بنابراین، اثر برهان عقلی همانند دلیل معتبر نقلی آن است که یک متفکر از راه تأمل و تدبیر در منابع معرفتی به مبانی برسد و از مبانی به مواد فقهی و حقوقی راه یابد، چنان‌که ره‌آورد دلیل معتبر نقلی نیز غیر از این نخواهد بود. عصارة آن که از دلیل‌های رایج دینی به دست می‌آید، همانا کشف اراده خدا و پی‌بردن به احکام مجعول الهی از یکی از دوره‌های یادشده است و عقل و نقل هر دو حجت شرعی و قابل اعتماداند (جوادی آملی، ۱۳۹۱: صص ۴۴-۴۵).

مبتنی بودن احکام اسلامی بر یک سلسله مصالح و مفاسد زمینی (یعنی مربوط به انسان که در دسترس کشف عقل و علم بشر است) از یک سو و سیستم قانون‌گذاری اسلام که به نحو قضایای حقیقیه است (یعنی حکم را روی عناوین کلیه برده است نه روی افراد)؛ از سوی دیگر، به مجتهد امکان می‌دهد که به حکم خود اسلام در شرایط مختلف زمانی و مکانی، فتواهای مختلف بدهد و در واقع، کشف کند که چیزی در یک زمان حلال است در یک زمان حرام، در یک زمان واجب است در زمان دیگر مستحب و... (مطهری، ۱۳۸۱: ص ۲۹۵).

راز جاودانگی اسلام در داشتن منابع غنی و تشویق به استنباط مبانی قویم از آن منابع سرشار و ترغیب به استخراج مواد فقهی، حقوقی، اخلاقی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، درمانی و... نهفته است و به منظور تکامل برداشت از منابع عقلی و نقلی و تعامل بیشتر با آنها دو طرز اجتهاد را به جامعه بشری تعلیم و یادآوری کرد که هر یک مکمل دیگری است، هر چند یکی از آن دو اصلی‌ترین سبک اجتهاد است: اجتهاد نخست که اصلی‌ترین سنخ آن به شمار می‌رود همان

است که در حوزه‌های علمی رایج و در میان مجتهدان فن شریف فقه و اصول رایج است که با دراست سالیان متمادی به ملکه استنباط دست می‌یابند؛ اجتهاد دوم که صبغه موضوع‌پروری آن واضح و جریان اجرایی بودن نه تقنینی آن روشن است، همان است که در میان اقوام و ملل با گرایش‌ها و منش‌های متفاوت رواج دارد و اسلام قسم زیبا و خیر و عدل و احسان آن را امضا و ترغیب فرمود. این اجتهاد صبغه تشریح نداشته و زیربنای مشروعیت قانونی خود را از اصول عقلی و مبانی نقلی گرفته و از اطلاعات و عمومات، مطلوب بودن چیزی را کشف کرده و در کیفیت اجرا و تعامل آن سعی بلیغ شده تا به صورت کاربردی و کارآمد مقبول جامعه شود. این گونه امور با کارشناسی نخبگان و فرهیختگان هر فن ورشته‌ای پس از احراز اصل مشروعیت و قانونی بودن آن و بعد از بررسی موضوع‌شناسانه همه‌جانبه تصویب می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۱: صص ۵۰-۴۹).

استفاده از عقل و برهان عقلی سابقه دیرینه‌ای در فقه اسلامی دارد. برای مثال در کنار کتبی که بر مبنای فقه فتوایی تألیف شده‌اند، برخی فقها نیز بر مبنای فقه استدلالی، فقه مقارن و امثال آن به تبیین ادله و نظرات مختلف درباره مسائل پرداخته‌اند. فقه فتوایی گونه‌ای از ارائه فقه است که در آن، فقیه نظر خود را بدون استدلال و ذکر مستندات بیان می‌کند. کتاب‌های الهدایة و المقنع شیخ صدوق، المقنعة شیخ مفید، النهاية شیخ طوسی، شرائع الاسلام محقق حلی، عروة الوثقی سید یزدی و تحریر الوسیلة امام خمینی در شمار کتب فقه فتوایی‌اند. در «فقه استدلالی» برخلاف فقه فتوایی، فقیه احکام فقهی و نظریات مختلف مطرح شده درباره یک مسئله را همراه با استدلال و مستندات و نیز اشکالاتی که بر هر نظریه وارد است، بیان و از نظریه برگزیده خود دفاع می‌کند. کتاب‌های المبسوط شیخ طوسی، تذکرة الفقها از علامه حلی، الروضة البهیة شهید ثانی و جواهر الکلام شیخ محمد حسن نجفی با این رویکرد نگارش یافته‌اند. «فقه مقارن» که فقه تطبیقی نیز نامیده شده، بر گونه‌ای از عرضه فقه اطلاق می‌شود که در آن آرا و دیدگاه‌های مختلف فقها در بیان حکم مسئله‌ای شرعی، همراه دلیل هر دیدگاهی و گزینش و ترجیح نظریه درست با برهان و دلیل گردآوری می‌شود. قداما از عرضه فقه با چنین رویکردی به «فقه الخلاف» یا «فقه الخلافات» تعبیر می‌کردند (مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۷: ص ۷۳۰).

ضرورت توجه به فقه در امور مالی

یادگیری احکام شرعی، پیش شرط دادوستد و ورود به هر نوع کسب و کاری است و در اسلام بر توجه به یادگیری احکام پیش از اشتغال به تجارت تأکید فراوان شده است.

مردی به امیر مؤمنان (علیه السلام) گفت: در پی کسب و کار هستم. فرمود: آیا از احکام دینی خود، اطلاع داری؟ گفت: پس از کار چنین خواهم کرد. فرمود: «وَيَحْكُ الْفِقْهُ ثُمَّ الْمَتَجِرُ، فَإِنَّهُ مَنْ بَاعَ وَاشْتَرَىٰ وَلَمْ يَسْأَلْ عَنِ حَرَامٍ وَلَا حَلَالٍ اِزْتَمَ فِي الرَّبَا، ثُمَّ اِزْتَمَ:» وای به حالت! نخست احکام (خرید و فروش) را یاد بگیر، سپس به تجارت بپرداز؛ زیرا اگر کسی دادوستد کند و از حلال و حرام آن نپرسد در رباخواری فرو رفته، سپس گرفتار می شود».

امام صادق (علیه السلام) نیز در این زمینه می فرماید: «مَنْ ارَادَ التَّجَارَةَ فَلْيَتَفَقَّهْ فِي دِينِهِ لِيَعْلَمَ بِذَلِكَ مَا يَحِلُّ لَهُ مِمَّا يَحْرُمُ عَلَيْهِ وَ مَنْ لَمْ يَتَفَقَّهْ فِي دِينِهِ تَوَزَّطَ الشُّبُهَاتِ^۲: هر که می خواهد تجارت کند باید با مسائل دینش آشنا شود، تا حلال و حرام را از هم بازشناسد و کسی که قبل از فراگیری احکام دینش تجارت کند، داخل کارهای شبهه‌ناک خواهد شد».

فعالیت‌های تجاری و اقتصادی اگر بر طبق معیارها و ضوابط شرعی و فقهی صورت نگیرد، از سوی اسلام به رسمیت شناخته نمی شود. کاهش روزی حلال، قحطی و کمبود، عدم پذیرش عبادات، دوری از رحمت الهی و ورود به دوزخ از مهم ترین آثار کسب و کارهای نامشروع و فاسد بر شمرده شده است (جوادی آملی، ۱۳۹۱: صص ۵۹۱-۵۸۹).

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَىٰ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي هَذِهِ الْمَكَاسِبُ الْمُحَرَّمَةُ .. وَ الرَّبَا: هولناک ترین رخدادی که پس از خودم درباره امتم از آن می هراسم، درآمدهای حرام و رباخواری است» (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۵: ص ۱۲۴).

بر این اساس، قانون گذاران، سیاست گذاران و مجریان بازارهای مالی به ویژه طراحان ابزارها و شیوه‌های معاملاتی و طراحان نهادهای مالی وظیفه دارند از صحت شرعی محصولات و تصمیمات متخذه مطمئن شوند و از آنجاکه غالب شیوه‌ها و ابزارهای مورد استفاده در بازارهای مالی محصولات نوپیدا محسوب می شوند برای کشف حکم شرعی آنها نیاز به اجتهاد است.

ضرورت موضوع شناسی در فرایند اجتهاد

مجتهدان در فرایند اجتهاد معمولاً مراحل زیر را طی می کنند:

الف- مراحل مقدماتی: شامل آمادگی لازم و بالفعل نسبت به تمامی علوم و فنون و ابزار مورد نیاز در فرایند اجتهاد و نیز ایجاد شرایط زمانی، محیطی و شخصی لازم برای اجتهاد.

۱. مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۰۰: ص ۱۰۰.

۲. حرعاملی، ۱۴۱۳: ج ۱۲: ص ۲۸۳.

ب- مراحل اصلی

۱. موضوع‌شناسی: هرگاه مجتهد بخواهد در موضوع یا مسئله‌ای از هر علمی اجتهاد کند، باید بر آن مسئله یا موضوع، اشراف و احاطه داشته باشد. به این معنا که به لحاظ معنایی و مفهومی، آن را به‌درستی بشناسد و توان تطبیق یا مصداق‌یابی این موضوعات را نیز داشته باشد. البته ضرورت موضوع‌شناسی برای مجتهد از دیدگاه همه صاحب‌نظران، مقبول نیست و برخی در ضرورت این کار برای مجتهد از آن حیث که مجتهد است، تردید دارند. ولی عده بسیاری به این مطلب باور دارند و در فرایند اجتهاد این مرحله را می‌پیماند (فناپی، ۱۳۷۴ الف: صص ۸۹-۸۸).

۲. رجوع به منابع و ادله برای کشف حکم: به منظور رجوع به منابع و ادله یا به‌طور مستقیم و بی‌واسطه به قرآن و سنت مراجعه می‌کنیم و یا اینکه از طریق دلیل عقل، اجماع، شهرت‌های متقدمان، سیره عقلا و غیره، نظر قرآن و سنت یا حکم شرعی را کشف می‌کنیم. هرگاه حکم موضوع یا مسئله‌ای در قرآن نبود یا امکان استنباط آن از قرآن برای ما به‌عنوان بشر محدود و غیر معصوم وجود نداشت، به سراغ سنت می‌رویم. پرواضح است که حکم حاصل از سنت نباید با ضروریات عقل و نصوص و ظواهر قرآن و نیز اجماع محصل که خود به سنت باز می‌گردد، در تنافی آشکار باشد. اگر کشف حکم از طریق عقل و اجماع و شهرت یا سیره عقلا صورت پذیرد، فرایند آن متناسب با روش عام عقلی در دلیل عقل و روش فحوص و جست‌وجو و استقرای از اجماع محصل (طبق قول عامه) و یا یافتن جمع کثیری که رأی آنها کاشف از قول معصوم باشد (طبق قول مشهور امامیه در باب اجماع) صورت می‌پذیرد (حسنی و علی‌پور، ۱۳۸۶: ص ۱۶).

۳. استنتاج و تشکیل صورت قیاس منطقی: پس از کشف مراد جدی شارع، مرحله بعد آن است که مراد و معنای به‌دست‌آمده در یک شکل و صورت قیاس منطقی، سامان‌دهی شده، استنتاج انجام می‌گیرد (حسنی و علی‌پور، ۱۳۸۶: ص ۱۶).

بنابراین، فقیه و مجتهد کارش استنباط و استخراج احکام است، اما اطلاع و احاطه او به موضوعات در فتوهایش تأثیر زیادی دارد. فقیه باید به موضوعاتی که برای آنها فتوا صادر می‌کند احاطه کامل داشته باشد. دین اسلام، دین خاتم است، اختصاص به زمان معین یا منطقه معین ندارد و مربوط به همه منطقه‌ها و همه زمان‌ها است. دینی است که برای زندگی و پیشرفت بشر آمده است. فقهی که از نظامات و جریان طبیعی بی‌خبر باشد و به تکامل و پیشرفت زندگی ایمان

نداشته باشد، نمی‌تواند دستورهای عالی و مترقی این دین را که برای همین نظام‌ها آمده و ضامن هدایت این جریان‌ها و تحولات و پیشرفت‌ها است، کامل و به‌طور صحیح استنباط کند (مطهری، ۱۳۸۲: ص ۱۲۹).

با دگرگونی و تحول موضوع و یا خصوصیات آن، احکام مربوط به آن نیز ثابت نخواهد ماند و در معرض تحول قرار خواهد گرفت. نمونه‌های این مسئله در فقه بسیار فراوان است که می‌توان به مواردی همچون احیای موات، مجسمه‌سازی، شطرنج، موسیقی، کنترل جمعیت، تشریح جسد مرده، پیوند اعضا، خرید و فروش اعضا، قیافه‌شناسی، ستاره‌شناسی، خرید و فروش خون و ده‌ها مورد دیگر اشاره کرد که به سبب تأثیری که زمان و مکان در تحول موضوعات و تحول احکام اجتهادی دارد، احکام موضوعات نیز در معرض دگرگونی و تحول واقع شده است.

برای مثال درباره خرید و فروش خون، فتاوی‌های تمامی فقهای پیشین بر حرمت چنین معامله‌ای بود، به جهت اینکه برای خون منفعت عقلایی قابل توجه وجود نداشت، ولی در شرایط فعلی با توجه به رشد علم پزشکی و به‌دست آوردن ابزار و مایه‌هایی که بتواند از خون استفاده‌ای را برای انسان میسر کند، زمینه‌هایی را فراهم آورده که می‌توان از خرید خون و تزریق آن در بدن کسانی که در معرض مرگ و تلف قرار دارند استفاده کرد یا از خون صدها محصول و فراورده خونی که در مداوای بیماری‌ها استفاده می‌شود تولید می‌کنند و همین تحول، که در زمان واقع شده فقهای عصر حاضر را به این مسئله واداشته است که حکم به حلیت و بایستگی این امر صادر کنند. چنین نگاهی به موضوعات و احکام برگرفته از آن سبب می‌شود که در فقه، تحول حاصل شود و فقه بتواند در چهارچوب کلی خود به نیازهای جامعه اسلامی پاسخ مناسب بدهد. فقه مجموعه‌ای عام و شامل است و درون‌مایه و جوهره‌ای پویا دارد که به آن امکان انطباق با عصرها و نیازهای انسانی را در هر زمینه‌ای می‌دهد، توانایی درونی فقه و جوهره ذاتی آن در گستره زمان و پیدایش شرایط متحول روشن می‌شود (نوایی، ۱۳۸۱: ص ۱۱۹-۱۱۸).

ضرورت موضوع‌شناسی در فقه مالی

یکی از مباحث مطرح در زمینه استنباط‌های فقهی، مسئله موضوع‌شناسی است؛ در واقع، موضوعات مهبط احکام‌اند و نقشی کارساز و راهگشا و جهت‌دهنده در نوع استنباط‌ها و نحوه برخورد با مسائل دارند. فقیه، بدون شناخت موضوع نمی‌تواند حکم متناسب را بیان کند. متأسفانه برخی موضوع‌شناسی را شاید به اشتباه و یا از روی بی‌توجهی، در ردیف بایسته‌های اجتهاد قرار

نداده‌اند و فقط در حصار حکم‌شناسی اجتهاد محصور ساخته‌اند؛ از این رو، به علومی چون صرف و نحو و لغت و معانی و بیان و منطق اکتفا کرده‌اند و تنها به شناخت احکام، از درون نصوص دینی موجود بسنده کرده‌اند و فراگرفتن پاره‌ای از علوم را که در خدمت موضوع‌شناسی قرار می‌گیرند، غیرلازم و غیر ضروری تلقی کرده‌اند. ولی اگر در سازوکار مسائل فقه و محتوای آن و میدان‌های گسترده‌ای که فقه فراروی مکلفان می‌گشاید، دقت کنیم در خواهیم یافت که تنها حکم‌شناسی حلال مشکل نیست و تنها حکم‌شناسی نیست که ما را در درک احکام الهی یاری می‌کند، بلکه فراتر از آن، مسئله موضوع‌شناسی است، به گونه‌ای که حتی طرفداران چنان نظریه‌ای به طور غیر مستقیم، به سراغ موضوعات می‌روند و موضوع‌شناسی کرده و سپس به سمت حکم‌شناسی سیر می‌کنند. زیرا لزوماً بدون شناخت دقیق موضوع نمی‌توان از شناخت احکام سخن گفت (نوابی، ۱۳۸۱: ص ۱۰۷).

مسئله موضوع‌شناسی به‌ویژه در موضوعات پیچیده و نوینی همچون موارد مطرح در دنیای کنونی اهمیت بیشتری می‌یابد و در مواردی که با طیف گسترده‌تری از مخاطبان سروکار دارد، حساسیت آن بیشتر خواهد بود. دانش مالی یکی از علومی است که نوآوری زیادی در آن وجود دارد و موضوعات و مسائلی در آن مطرح می‌شود که فهم دقیق آنها نیازمند کاوش و بررسی عمیق است. با توسعه دانش مالی، روزبه‌روز محصولات و خدمات جدیدی طراحی می‌شوند که گاه درک ماهیت آنها بسیار دشوار است. همچنین، بیشتر موضوعات مالی به گونه‌ای است که با طیف گسترده‌ای از مخاطبان سروکار دارد و ممکن است عدم شناخت دقیق موضوعات در این حوزه منجر به صدور آرای بی‌سود که نه تنها از جنبه مادی خسران به بار آورد، از جنبه معنوی نیز جامعه را متضرر کند. موضوعات مطرح در دانش مالی، گاه بسیار چالش‌برانگیز است و تصمیم‌گیری برای مجتهد درباره حکم مربوطه را دشوار می‌کند. در اینجا برخی از موضوعات چالش‌برانگیز به‌عنوان نمونه‌ای از انواع موضوعات پیچیده مطرح در فقه مالی ذکر می‌شود:

الف- معاملات فارکس (ارز): بازار فارکس^۱ (ارز) هنگامی به وجود می‌آید که دو ارز به صورت پایاپای با یکدیگر مورد معامله قرار گیرند؛ این بازار، یک بازار ۲۴ ساعته است که از نظر میزان مبادله «ارزش نقدی» بزرگ‌ترین بازار جهان شمرده می‌شود و شامل تجارت میان بانک‌های بزرگ، بانک‌های مرکزی، شرکت‌های چندملیتی، دولت‌ها و دیگر مؤسسات مالی می‌شود. شکل ساده بازار فارکس، بازاری است که در آن ارزهای مختلف مانند دلار، یورو، پوند، ین و... در مقابل هم

1. Foreign Exchange (Forex)

معامله می‌شوند. در این بازار یک ارز را در مقابل ارز دیگری خرید و فروش می‌کنند. در این حالت، شخص سرمایه‌ای دارد و پیش‌بینی او افزایش ارزش یک ارز است، آن ارز را خریداری می‌کند و هنگامی که ارزش آن افزایش یافت یا احتمال کاهش قیمت آن ارز را می‌دهد به فروش آن می‌پردازد و از مابه‌التفاوت قیمت خرید و فروش سود می‌برد و در مواردی که پیش‌بینی اش اشتباه باشد، ضرر می‌کند. شکل ساده معاملات ارز از نظر شرعی اشکالی ندارد، زیرا تمامی شرایط معامله را دارد و شرطی که مخالف شرع باشد، وجود ندارد. اگر این نوع معامله از طریق اینترنت نیز انجام گیرد و تمامی شرایط معامله در آن رعایت شود، شرعاً جایز است.

ولی آنچه امروزه به‌عنوان بازار فارکس در اینترنت مطرح است، شکل ساده خود را از دست داده و فعالان این بازار، به‌جای خرید و فروش واقعی ارز به معاملاتی می‌پردازند که چه‌بسا از نظر شرعی دارای اشکالاتی است و موجب حرمت و عدم جواز این نوع معاملات می‌شود. معاملات رایج فارکس امروزه به‌صورت‌های مختلف انجام می‌گیرد.

یکی از رایج‌ترین صورت‌ها آن است که برخی از کسانی که خود را در محیط اینترنت به‌عنوان کارگزار بازار فارکس معرفی می‌کنند و پایگاه یا وبلاگی به این نام برای خود ایجاد کرده‌اند، دارای هویت مشخص واقعی نیستند و هدف آنها از این کار کلاهبرداری است. این گروه با تبلیغات گسترده و با فریب مردم سرمایه‌آنان را جمع کرده و در ظاهر معاملات ارز انجام می‌دهند و ممکن است برای مدتی نیز سود پردازند، ولی پس از مدتی اسم و رسم خود را از محیط اینترنت برمی‌دارند، به‌طوری که مال‌باخته، هیچ راهی برای استیفای حق خود ندارد و همه سرمایه خود را از دست می‌دهد. روشن است که این گروه از معاملات فارکس نامشروع است.

گروه دوم کسانی هستند که خود را در محیط اینترنت به‌عنوان کارگزار فارکس معرفی می‌کنند و دارای هویت مشخص نیز هستند و در پایگاه اینترنتی، معاملات سفارش شده توسط صاحب سرمایه را روزانه در صفحه مخصوص او نمایش می‌دهند و او نیز به این گمان که گزارش واقعی است به آنان اعتماد می‌کند. اما درحقیقت این صفحه اینترنتی یک نمایش صوری بیش نبوده و واقعیت ندارد و آنان اموال سرمایه‌گذار را در جای دیگری مثل قاقچاق سرمایه‌گذاری کرده یا برای پرداخت بدهی‌های معوقه خود استفاده می‌کنند. این قسم از معاملات فارکس نیز به‌طور قطع شرعی نیست، زیرا سود و زیان حاصله هیچ مبنای معامله واقعی ندارد و صرفاً برخاسته از بازی با اعداد و صفحه مجازی در اینترنت است.

گروه سوم کسانی هستند که خود را در محیط اینترنت به‌عنوان کارگزار بازار فارکس معرفی

می‌کنند و چه بسا دارای هویت مشخصی هم باشند و در بازار ارز نیز فعالیت می‌کنند، اما نوع معاملاتشان مشروع نیست. این گروه به جای خرید و فروش واقعی ارز اقدام به معاملات هر می می‌کنند. برای مثال در معامله آتی نرخ ارز، یک طرف متعهد می‌شود نرخ یک میلیون یورو را در مقابل نرخ یک میلیون و پانصد هزار دلار بفروشد و دیگری متعهد به خرید می‌شود در حالی که هیچ یک قصد جدی خرید یا فروش یورو یا دلار را ندارند بلکه در پایان روز کاری، براساس قیمت‌های جدید تسویه نقدی می‌کنند. به این معنا که اگر قیمت یورو افزایش داشت فروشنده آتی مبلغی را به خریدار می‌پردازد و اگر قیمت یورو کاهش داشت، خریدار آتی مبلغی را به فروشنده می‌پردازد. روشن است که چنین معاملاتی مبنای شرعی ندارد و درآمد حاصل از آنها نیز نوعی شرط‌بندی و اکل مال به باطل است.

گروه چهارم کسانی هستند که خود را در محیط اینترنت به‌عنوان کارگزار فارکس معرفی می‌کنند و چه بسا دارای هویت مشخصی هم باشند و به‌طور حقیقی هم معامله ارز انجام دهند، اما در ضمن قرارداد خود با صاحبان سرمایه شروطی مطرح می‌کنند که آن شروط خلاف شرع است. برای مثال شرط می‌کنند زمان‌هایی که معامله‌ای در کار نیست سرمایه را به‌صورت ربوی به بانک یا مؤسسه‌ای قرض داده و بهره دریافت کنند.

در همه این صور معاملات فارکس به‌گونه‌ای طراحی شده که سود بردن یک طرف همیشه با ضرر طرف دیگر رقم می‌خورد، یعنی یا قیمت ارز مورد معامله بالا می‌رود یا پایین می‌آید و در هر حالت یا این طرف سود می‌برد و آن طرف ضرر یا بالعکس. در این شرایط، تنها کسی که در هر صورت سود می‌برد، کارگزار فارکس است که کارمزد خود را از هر قراردادی می‌گیرد؛ بنابراین، به‌صورت طبیعی در این بازار تنها افراد بسیار حرفه‌ای می‌توانند سود ببرند و غالب افرادی که وارد این بازار شده‌اند در کوتاه‌مدت بعد از چند معامله کل سرمایه‌شان را از دست داده‌اند. البته در کنار این صور باطل، صورت‌های صحیحی نیز قابل تصور و اجرا است که در آن سرمایه افراد مطابق ضوابط شرعی و بین‌المللی در خرید و فروش واقعی ارز به‌کار رفته و سود و زیان حاصل شده سود و زیان بازار است.

متأسفانه برخی با مطرح کردن شکل ساده معاملات فارکس و تبیین موضوع بدون اشاره به انواع صورت‌های این معاملات، درصدد گرفتن مجوز فقهی از جانب فقها هستند. در حالی که امروزه شکل صحیح معاملات فارکس بسیار کم است و شکل رایج آن که در سطح وسیعی در اینترنت وجود دارد، صورت‌های باطل معاملات فارکس محسوب می‌شود (موسویان، ۱۳۹۰).

ب- کارت اعتباری مرابحه: یکی از انواع قرارداد بیع، بیع مرابحه است که از زمان‌های قدیم بین مردم رایج بوده و مقصود از آن بیعی است که فروشنده قیمت تمام‌شده کالا، اعم از قیمت خرید، هزینه‌های حمل و نقل و نگهداری و سایر هزینه‌های مربوط را به اطلاع مشتری رسانده و سپس با افزودن مبلغ یا درصدی اضافی به‌عنوان سود کالا را می‌فروشد (موسویان، ۱۳۹۰). یکی از ابزارهای جدید در نظام بانکی کشور که با اقتباس از الگوی بانکداری ربوی طراحی شده، کارت اعتباری مرابحه است که در طراحی آن از عقد مرابحه استفاده شده است. در نگاه اول به نظر می‌رسد که ماهیت کارت اعتباری مرابحه همانند کارت اعتباری بانکداری متعارف است؛ ازاین‌رو، برخی بر این اساس حکم به عدم جواز کارت اعتباری مرابحه می‌کنند. درحالی‌که دقت نظر در ارکان و روابط حقوقی کارت اعتباری مرابحه نشان می‌دهد در ساماندهی معامله‌های کارت اعتباری براساس قرارداد مرابحه، از ترکیب چند قرارداد استفاده می‌شود و صحت شرعی معامله با کارت اعتباری، به صحت همه آنها وابسته است.

درواقع، پس از تعیین سقف اعتبار و صدور کارت از طرف بانک، چندین معامله انجام می‌گیرد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: وکالت در خرید، خرید وکالتی، فروش الکترونیکی مرابحه‌ای نسبه، تخفیف در بدهی و جریمه تأخیر (موسویان و میسمی، ۱۳۹۳: صص ۳۶۳-۳۵۷)؛ ازاین‌رو، در بررسی فقهی کارت اعتباری مرابحه نباید ساده‌انگاری شود و لازم است به روابط حقوقی و فقهی و قراردادهای موجود در این ابزار مالی دقت شود.

ج- بورس بازی (سفته‌بازی): بورس بازی^۱ (سفته‌بازی)، فعالیتی اقتصادی است که با هدف دستیابی به سود از طریق پیش‌بینی تغییرات قیمت کالا، اوراق بهادار یا ارز انجام می‌شود. انگیزه اصلی بورس‌بازان از انجام معاملات و خرید و فروش دارایی‌های گوناگون، تحصیل سود است. بورس‌بازان ممکن است کالایی را بخرند که به‌طور حقیقی به آن نیازی ندارند و فقط به این دلیل که پیش‌بینی می‌کنند قیمت آن در آینده افزایش یابد آن را می‌خرند. همچنین، ممکن است کالایی را که به‌واقع به آن نیاز دارند، بفروشند فقط به این دلیل که قیمت آن در آینده کاهش خواهد یافت. اگر بورس‌بازی به‌صورتی کنترل‌شده و واقعی انجام شود، آثار مثبتی از قبیل کاهش نوسان قیمت‌ها و افزایش درجه نقدشوندگی دارایی‌ها و سهولت تجهیز منابع مالی دارد. به لحاظ شرعی، خرید و فروش نقد یا نسبه یا سلف به انگیزه دستیابی به سود از طریق پیش‌بینی قیمت اگر در چهارچوب احکام و قوانین شریعت انجام شود، از دیدگاه فقه شیعه جایز است و در این باره با فقیهان اهل

سنت اتفاق نظر وجود دارد (میرمعزی، ۱۳۸۴: ص ۵۲). باین وجود، ممکن است برخی از شقوق بورس‌بازی به‌گونه‌ای باشد که از نظر فقهی مجاز نباشد. برای مثال برخی از انواع بورس‌بازی گرچه در ظاهر خرید و فروش ساده است، ولی همراه با احتکار، تبانی، معاملات صوری و مانند آن است که با هدف تغییر مصنوعی قیمت بازار به نفع بورس‌بازان انجام می‌شود؛ بنابراین، به منظور صدور حکم درباره جواز یا عدم جواز بورس‌بازی لازم است انواع معاملات بورس‌بازی شناسایی شود و با شناخت دقیق ماهیت آنها، حرمت یا حلیت آنها مشخص شود.

د- بازاریابی شبکه‌ای و شرکت‌های هرمی: بازاریابی شبکه‌ای^۱ نوعی شیوه بازاریابی و فروش است که در آن، یک شرکت، محصولات خود را بدون تبلیغات و بدون واسطه می‌فروشد و مشتری‌ها پس از خرید می‌توانند برای این محصولات بازاریابی کند و سود ببرند. بازاریابی شبکه‌ای که در آن واسطه‌های کاذب اقتصادی حذف می‌شوند، اساساً امری مفید است؛ ولی در نقطه مقابل شرکت‌هایی که شرکت‌های هرمی یا به اصطلاح دسیسه‌های هرمی نام دارند، از عنوان بازاریابی شبکه‌ای سوءاستفاده می‌کنند. در شرکت‌های هرمی هیچ خبری از تولید یا تجارت کالای مصرفی و کار مفید اقتصادی نیست و تنها هرم‌هایی را تشکیل می‌دهند که در آنها پول افرادی که در سطوح پایین‌تر هرم قرار دارند به جیب شرکت و افرادی معدود می‌رود که در رأس هرم قرار می‌گیرند (اسکینی و مهربخش، ۱۳۹۱: ص ۱۳-۱۰). افزون بر پیامدهای اقتصادی ناسالم، برخی اشکالات شرعی نیز به آنها وارد است که عبارت‌اند از: غرر، ضرر، اکل مال به باطل، قمار و... باین وجود، گاه برخی افراد برای کسب جواز شرعی برای این‌گونه شرکت‌ها، فعالیت آنها را به صورت ساده و در قالب یک فعالیت بازاریابی شبکه‌ای معمولی جلوه می‌دهند که در ازای آن کارمزد دریافت می‌شود. این در حالی است که شرکت‌های بازاریابی شبکه‌ای، هرچند خیلی از مشکلات شرکت‌های هرمی را ندارند، از نظر ساختار معاملاتی شباهت‌های زیادی با شرکت‌های هرمی داشته و از دیدگاه برخی فقها، مشکل اصلی شرکت‌های هرمی که عبارت است از «اکل مال بالباطل» همچنان پابرجا است. دقت نظر در شناسایی نحوه فعالیت و ماهیت این‌گونه شرکت‌ها، نقش مهمی در استدلال و صدور حکم شرعی درباره آنها دارد. در آغاز فعالیت برخی از شرکت‌های هرمی در کشور، به دلیل روشن نبودن ماهیت فعالیت آنها، عده‌ای از فقها حکم به جواز دادند ولی با روشن شدن ماهیت اصلی آنها، فتوای عدم مشروعیت آنها را صادر کردند.

ه- جریمه تأخیر تأدیه: مسئله مطالبات معوق یکی از چالش‌های اساسی نظام بانکی کشور

بوده و هست و طراحی شیوه‌های مشروع و کارا برای حل این مشکل یک ضرورت غیرقابل انکار است. یکی از راهکارهای مطرح شده در این رابطه تصویب قوانینی با عنوان «جریمه تأخیر تأدیه» و «خسارت تأخیر تأدیه» دربارهٔ بدهکارانی است که بدهی خود را به موقع نمی‌پردازند. مطالعهٔ تاریخی نشان می‌دهد که به تناسب شرایط اجتماعی، به‌ویژه بعد از انقلاب اسلامی، این قوانین تغییر و تحولات زیادی داشته‌اند (موسویان، ۱۳۸۴: ص ۱۳). با تأیید شورای نگهبان (مورخ ۱۳۶۱/۱۱/۲۸)، دریافت مبلغی به‌عنوان جریمهٔ تأخیر تأدیه در قراردادهای بانکی، در صورتی که به‌عنوان شرط ضمن عقد در متن قراردادها آمده باشد، مجاز است. این شیوهٔ عملیاتی آخرین و مهم‌ترین دیدگاه ارائه‌شده توسط شورای نگهبان و مبنای عملکرد نظام بانکی کشور است. با این وجود، برخی فقها دریافت جریمهٔ تأخیر به این شیوه را مشروع نمی‌دانند و از این رو، با وجود ارائهٔ راهکارهای دیگر برای حل مشکل جریمهٔ تأخیر از سوی پژوهشگران، هنوز هم راهکار جامعی بدین منظور ارائه نشده است. به نظر می‌رسد زمانی می‌توان به یک راهکار مشروع و مقبول دست یافت که افزون بر رعایت احکام فقهی، به فلسفه و حکمت تحریم ربا، ماهیت انتفاعی و واسطه‌گر بانک، ضرورت تفکیک بین مشتریان مختلف، حکمت حلیت معاملات به ظاهر مشابه ربا (مانند مرابحه)، ساختار بازارهای مالی اسلامی، شیوه‌های حمایت از اقسار آسیب‌پذیر و مسئولیت‌های دولت اسلامی (از جمله مسئولیت پرداخت بدهی بدهکاران در مانده و...)، همه‌باهم توجه شود (موسویان و میسمی، ۱۳۹۳: ص ۴۵۰).

موارد یادشده به همراه موارد بسیار دیگری چون قراردادهای آتی، اختیار معامله، سوآپ و اوراق بهادار دورگه و ترکیبی که طرح آنها از حوصلهٔ این مقاله خارج است، به‌عنوان نمونه‌هایی از موضوعات مطرح در مالی اسلامی نشان می‌دهند که این‌گونه موضوعات، حساسیت‌ها و ظرافت‌های ویژه‌ای دارند و لازمهٔ صدور حکم دربارهٔ آنها، شناخت دقیق ماهیت موضوع و بررسی پیچیدگی‌ها و ابعاد فرعی آنها است.

چراکه فهم حکم متوقف بر فهم دقیق موضوع آن است و از آنجاکه موضوعات احکام فقهی گسترده و متنوع هستند و هر دسته‌ای از آنها به علمی خاص مربوط است، پس آشنایی با هر علمی به فهم دقیق‌تر و صحیح‌تر موضوع و از رهگذر آن به فهم دقیق‌تر و صحیح‌تر حکم شرعی موضوعات مرتبط خواهد انجامید. بدون شک آشنایی با علم اقتصاد در فهم احکام اقتصادی و آشنایی با علم و فلسفهٔ سیاست در فهم احکام سیاسی دین و نحوهٔ دخالت دین در این مقولات مؤثر است و از این نظر هیچ تفاوتی میان این علم و علم نجوم، که در فهم احکام مربوط به وقت و

قبله از آن استفاده می‌شود، نیست (فناپی، ۱۳۷۴ب: ص ۲۹۱).

این نکته که برخی مطرح می‌کنند، تشخیص موضوع کار مقلد است و شأن فقیه، شأن بیان حکم است، مسئله‌ای اشتباه و انحرافی است و هیچ فقیه وارسته و بادرایتی نه در میان فقیهان گذشته و نه فقیهان موجود، چنین سخنی را ملتزم نشده است. بلکه باید گفت در بیشتر موارد و یا تمامی موارد، فقها موضوعات را تشخیص می‌دهند و سپس حکم صادر می‌کنند (نوابی، ۱۳۸۱: ص ۱۱۱). بله تطبیق موضوع بر مصادیق آن به تناسب مورد با عرف خاص یا عام خواهد بود و این غیر از موضوع‌شناسی است؛ بنابراین، چنانچه فقیه، شخصاً موضوع را شناسایی کند، در مقام استنباط، با اشراف و آگاهی بیشتری اقدام به صدور حکم و فتوا خواهد کرد و آشنایی فقیه با علوم جدید در فرایند عمل اجتهاد و برداشت‌های مطلوب و بایسته فقهی، نقش مهمی دارد. با این وجود، به دلیل گسترده شدن شاخه‌های علوم و به‌روز مسائل مستحدثه به‌طور فزاینده در عصر کنونی، موضوع‌شناسی در حیطه‌های مختلف علوم به‌تنهایی توسط مراجع عظام تقلید، امری دشوار و گاه ناممکن به نظر می‌رسد؛ به بیان دیگر، گرچه سرچشمه‌های فقه و شیوه فقهات برای فهم حکم این موضوعات کافی است، شناخت موضوعی آنها و تحقیق و تدقیق لازم برای تطبیق موضوع با عناوین کلی در فقه و استدلال جامع و مناسب، بهترین روش برای درک حکم شرعی آن، اهمیت زیادی دارد.

روش‌های پژوهش در علوم انسانی

در علوم انسانی، همان‌طور که نظریه‌ها بر شالوده مبانی فلسفی و معرفت‌شناختی بنا نهاده شده است، هر کدام از روش‌های پژوهش نیز مبانی فلسفی و معرفت‌شناسی خاص خود را دارند؛ به‌گونه‌ای که دستیابی به روش بی‌طرف و مستقل از فلسفه‌ای که خاستگاه آن باشد غیرممکن است. برای مثال، روش‌های کمی بر فلسفه اثبات‌گرایی تکیه دارند. جهت‌گیری اثبات‌گرایی به تبیین و پیش‌بینی رویدادها از طریق مشاهده و آزمایش و تبدیل یافته‌ها به داده‌های کمی و اعداد علاقه دارد و به متغیرهای قابل اندازه‌گیری و گزاره‌های قابل اثبات می‌پردازد (نوری، ۱۳۸۹: ص ۱۰۳).

منشأ روش‌های کیفی در علوم انسانی عموماً ضد اثبات‌گرایی است و بر مبنای فلسفی «پدیدارشناسی»، «فردنگری» و «طبیعت‌گرایی» هستند. رویکرد پدیدارشناسی بر درک معنای رویدادها توسط افراد تحت مطالعه تأکید دارد. پدیدارشناسی، افراد و دنیای آنها را به‌صورت اشیایی که همدیگر را می‌سازند، در نظر می‌گیرد (صدوقی، ۱۳۸۶: ص ۷۹)؛ به بیان دیگر، روش‌های کیفی

بر دیدگاه تفهیمی یا تفسیرگرایانه مبتنی هستند و به چگونگی تفسیر، درک، تجربه و به وجود آمدن جهان اجتماعی توجه دارد (منادی، ۱۳۸۵: ص ۸۲).

باتوجه به تأثیر مبانی بر روش پژوهش، مراجعه گذرا به مبانی اسلامی نشان می‌دهد که واقعیت‌های خارجی وجود دارند. واقعیت‌های خارجی درباره انسان در دو سنخ کلی قرار دارند؛ یک سنخ از واقعیت‌ها از طریق عقل و تجربه قابل دستیابی هستند، اما برخی از واقعیت‌ها درباره انسان فراتر از توان عقلی و فکری انسان قرار دارد. دستیابی به این واقعیت‌ها فقط از طریق وحی امکان‌پذیر است؛ بنابراین، اگر در پژوهش‌های علمی در علوم انسانی فقط به واقعیت‌های نوع اول اکتفا شود (تنها به روش عقلی و تجربی بسنده شود)، تصویر ناقص از مسائل انسانی ارائه می‌شود. بر این اساس، استفاده از منابع و حیانی در مطالعات انسانی ضروری است (نوری، ۱۳۸۹: ص ۱۰۴).

روش‌های گوناگونی در اجرای پژوهش‌های علوم انسانی به کار می‌روند. پژوهش‌های کمی و کیفی دو نوع اصلی از رویکردهای پژوهش در علوم انسانی‌اند و دانشمندان علوم انسانی با توسل به آنها سعی می‌کنند دانشی صحیح و واقعی و نه دانش مبتنی بر عقیده را خلق و تا حد امکان از تورش‌های شخصی پرهیز کنند (صادقی فسائی و ناصری راد، ۱۳۹۰: ص ۸۱). یک پژوهش کیفی مطلوب باید بتواند خود را از طریق استدلال و ارائه مجموعه‌ای درونی و منسجم از عناصر تبیین کند. این عناصر که به عنوان عناصر بینادین پژوهش به‌شمار می‌روند عبارت‌اند از هستی‌شناسی (توجیه واقعیت)، معرفت‌شناسی (توجیه معرفت)، روش‌شناسی (توجیه روش) و روش (عمل پژوهش).

هستی‌شناسی عبارت است از نظریه‌ای عام درباره اینکه چه نوع چیزهایی یا جوهره‌هایی در جهان وجود دارند و اشاره به گستره‌ای از هستی‌ها و روابطی است که درون حوزه‌ای خاص از معرفت و تخصص علمی پذیرفته می‌شود (بنتون و کرایب، ۱۳۸۴: صص ۲۴-۲۱). هستی‌شناسی بازتاب نگرش پژوهشگر درباره سرشت جهان و به‌طور خلاصه راهبرد خاصی از پژوهش درباره ماهیت واقعیت است (صادقی فسائی و ناصری راد، ۱۳۹۰: ص ۸۳)؛ معرفت‌شناسی عبارت است از مطالعه اینکه چگونه و چه چیزی را می‌توان شناخت (والیمن، ۲۰۰۶: ص ۱۴)؛ معرفت‌شناسی پژوهش به مفروضاتی درباره چگونگی شناخت هر چه وجود آن پذیرفته شده است، اطلاق می‌شود (صادقی فسائی و ناصری راد، ۱۳۹۰: ص ۸۳)؛ روش‌شناسی عبارت است از نظریه و تحلیل درباره نحوه اجرای پژوهش و شامل مطالعه روش‌ها و توجیه‌کننده روش‌های پژوهش است؛

روش عبارت است از فنون گردآوری شواهد و مدارک و در واقع، واسط و پیامد عمل پژوهش است (صادقی فسائی و ناصری راد، ۱۳۹۰: ص ۸۳).

روش‌ها اجزای اساسی عمل پژوهش هستند. اعمال پژوهشگران و مشارکت‌کنندگان در پروژه پژوهشی تشکیل‌دهنده روش‌های آن پروژه‌اند. روش‌ها، نمونه‌ها، جمع‌آوری داده‌ها، مدیریت داده‌ها، تحلیل و ارائه گزارش می‌توانند در چرخه‌ای تکراری و مستمر مفهوم‌سازی شوند. مهم‌ترین نقش روش‌ها، نقش عمل‌گرایانه است؛ بدین معنا که روش‌های انتخابی محصول نهایی پژوهش را تعیین خواهند کرد. روش‌ها را نباید ابزارهایی خنثی تصور کرد که انتخاب می‌شوند و به دلخواه به کار برده می‌شوند، بلکه باید آنها را ابزارهای متمایزی از درک جهان به‌شمار آورد (همان).

پژوهش‌های کیفی از زمانی آغاز شدند که نظریه‌پردازان علوم اجتماعی مدرن، بررسی فرایندها و الگوهای جامعه‌شناسی را آغاز کردند و پیش‌فرض این بررسی‌ها این بود که می‌توان جهان و مردم جهان را به‌صورت عینی مشاهده و مطالعه کرد. به لحاظ پارادایمی پژوهش کیفی، ذیل پارادایم طبیعت‌گرایانه و تفسیرگرایی قرار می‌گیرد که در آن بر روش‌هایی که جهان اجتماعی، ساخته و فهمیده می‌شود، تأکید می‌شود. این رهیافت، طیف گسترده‌ای از رویکردهای فلسفی همچون تعامل‌گرایی نمادین، پدیدارشناسی، روش‌شناسی مردم‌نگارانه و هرمنوتیک را دربر می‌گیرد (شکاری و حسین‌پور، ۱۳۹۰: ص ۶۸).

از منظر هستی‌شناسی، در پارادایم طبیعت‌گرایانه هیچ واقعیت بیرونی از پیش تعریف شده‌ای وجود ندارد؛ بلکه، واقعیت‌ها به مدد ادراک و برداشت مشارکت‌جویانه ساخته می‌شوند. از نظر آنها واقعیت واحد و مجردی جدا از برداشت و ادراک ما وجود ندارد و انسان‌ها می‌توانند تجربیات متفاوتی از پدیده‌های واحد داشته باشند. افراد در تلاش هستند تا برای معنادادن به زندگی، نظمی بر جهان مورد درک خود اعمال کنند و معانی، منوط به شناخت انسان‌ها است، نه عنصری که خارج از ذهن آنها قرار دارد. اطلاعات با سیستم شناختی انسان‌ها برخورد می‌کنند، غربال می‌شوند، تعبیر، تفسیر و تغییر می‌یابند که شاید توسط دانش شناختی موجود در سیستم آنها طرد شوند؛ از این رو، دانشی است مخصوص به خود، که هدفمندانه ساخته می‌شود (کراوس، ۲۰۰۵: ص ۷۶۰)؛ از سوی دیگر، پژوهشگر و پژوهش‌شونده، از دیدگاه طبیعت‌گرایانه و تفسیری به لحاظ معرفت‌شناسی آن‌چنان به هم گره می‌خورد که می‌توان گفت یافته‌های پژوهش، همان آفرینش و تکوین واقعی، خود فرایند پژوهش است. داده‌های کیفی با تأکید بر تجربه واقعی و کنونی افراد برای کشف معانی که آنها برای حوادث، فرایندها و ساختارهای زندگی خود قائل هستند، تناسب بیشتری

دارد. این داده‌ها با توسل به پرسش‌های مستقیم و توصیف دقیق موقعیت‌ها، حوادث، تعاملات و رفتارهای مشاهده‌شده، پیش‌بینی عمیق و جامعی را به‌دست می‌دهد.

معرفت‌شناسی دیدگاه کیفی بر فهم متکی است و فهم نیز حاصل تفسیر موقعیت‌های اجتماعی-انسانی است. در مجموع، معرفت خالی از ذهنیت و تأثیر ارزش‌ها نیست. برخی از تفسیرگرایان، به‌ویژه طرفداران مکتب انتقادی فرانکفورت، اصولاً وجود معرفت کاملاً عینی را در باب مسائل اجتماعی-انسانی ناممکن تلقی کرده‌اند. در خصوص معرفت‌شناسی رویکرد تفسیری همین بس که معرفت در این دیدگاه بر پایه فهم و استدلال شکل می‌گیرد و لزوماً ادراکی حسی مترتب بر آن نیست. کلید فهم در تحقیقات کیفی گرانیز تفسیر است و تشکیل معرفت بر مبنای تفسیر و فهم است (شکاری و حسین‌پور، ۱۳۹۰: ص ۷۰).

در پژوهش کیفی، نظریه و روش‌شناسی با یکدیگر گره خورده‌اند و نیز تنوع و پیچیدگی‌های زیادی در پارادایم‌ها، راهبردها و روش‌های پژوهش کیفی وجود دارد. می‌توان چنین استنباط کرد که نظریه، پارادایم‌ها، راهبردها و روش‌شناسی در پژوهش کیفی با یکدیگر ترکیب، تلفیق و درهم تنیده شده‌اند؛ در مقابل، پژوهش کمی درصدد بررسی و تعیین صفات، ویژگی و کیفیت‌های مشخص و قابل سنجش در علوم انسانی و طبیعی است؛ از این‌رو، این پژوهش غالباً مبتنی بر ملاحظات نظری یا تجربی و کمی‌سازی (اندازه‌گیری) است. از نظر محققان کمی، تبیین، بدون اندازه‌گیری، بی‌پایه و اساس بوده و تازمانی که مفاهیم یک نظریه به‌طور تجربی سنجش و آزمون نشده‌اند، بی‌فایده‌اند؛ بنابراین، در این رهیافت، پژوهش فرایندی عینی، صوری و نظام‌مند است که در آن داده‌ای عددی برای کمی‌سازی پدیده‌ها و دستیابی به نتایج موردنظر به‌کار می‌آید. کمیت‌گرایان همان اصول هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی را که درباره پدیده‌های طبیعی اعمال می‌کنند، درباره پدیده‌های انسانی هم قابل اعمال می‌دانند. پس از نظر آنان پدیده‌های انسانی به روش عینی کمی قابل مشاهده هستند؛ از این‌رو، نه تنها اعمال و رفتارهای انسانی مشهود است، نگرش‌ها و ارزش‌ها نیز با این روش قابل مشاهده عینی هستند. به‌گونه‌ای که در روش پژوهش پدیدارشناختی به‌عنوان یکی از روش‌های پژوهش کیفی - برخلاف روش کمی در تحلیل و تبیین تجربه‌های زندگی در عالم حیات - هم اعمال و رفتار محقق مشهود و تأثیرگذار و هم نگرش‌ها و ارزش‌ها، با این روش قابل مشاهده عینی است.

رویکردهای کمی و کیفی با دو ذره‌بین متفاوت به «واقعیت» و «معرفت» می‌نگرند. طرفداران سرسخت روش کمی معتقدند که همه امور از جمله مسائل انسانی را می‌توان و باید با روش کمی

مطالعه کرد و علمی بودن را معادل کمی بودن می‌دانند؛ اما برخی از هواداران روش کیفی بر این باورند که مطالعهٔ اموری که ذاتاً تفسیر بردارند، با ابزار کمی ما را از ژرف‌یابی باز می‌دارد. از آنجاکه رهیافت کمی غالباً با رویکرد اثبات‌گرایی و تجربه‌گرایی شناخته‌شده و رابطهٔ تنگاتنگی دارد، این رهیافت، بر این فرض اساسی استوار است که رفتار انسان می‌تواند بر مبنای واقعیت اجتماعی و به کمک روش‌شناسی‌هایی که از منطق قیاسی علوم طبیعی پیروی می‌کنند، مطالعه شود. تحقیق کیفی یک اقتضای اجتماعی و فرهنگی است و بر این اساس استوار است که ماهیت‌ها و چیستی‌ها دچار تغییر و تحول می‌شوند. در این میان دیدگاه سومی نیز وجود دارد که معتقد است این دو رویکرد را می‌توان به شکل متمم یکدیگر به کار گرفت (شکاری و حسین‌پور، ۱۳۹۰: ص ۷۱). این دیدگاه به روش پژوهش ترکیبی یا آمیخته مشهور است. در جدول ۱ دو روش پژوهش کمی و کیفی از ابعاد گوناگون با یکدیگر مقایسه شده‌اند.

جدول ۱. تفاوت‌ها بین روش پژوهش کمی و کیفی

روش کیفی	روش کمی	
درک و تفسیر	توصیف، تبیین و پیش‌بینی	تمرکز پژوهش
زیاد؛ پژوهشگر، مشارکت‌کننده یا کاتالیزگر است.	کم؛ کنترل‌شده برای جلوگیری از خطا	میزان دخالت پژوهشگر
درک عمیق، ساختن نظریه	توصیف یا پیش‌بینی؛ ساختن و آزمون نظریه	هدف پژوهش
استقرا	قیاس	منطق استنتاج
کل‌نگری	جزء‌نگری	نگرش به پدیده
کم و انتخابی (هدفمند)	زیاد و تصادفی	نمونه‌برداری
امکان تکمیل یا تعدیل طی انجام طرح اغلب استفاده از روش‌های چندگانه به‌طور هم‌زمان یا متناوب عدم انتظار سازگاری درب‌گرفتن رویکرد طولی	تعیین‌شده پیش از آغاز طرح استفاده از روش واحد یا روش‌های ترکیبی اهمیت سازگاری درب‌گرفتن یک رویکرد مقطعی یا طولی	ساختار پژوهش

روش کیفی	روش کمی	
لزوم آمادگی پیشین	عدم لزوم آمادگی برای اجتناب از انحراف نتایج	آمادگی مشارکت‌کننده
توصیف شفاهی یا تصویری تقلیل یافتن به کدهای شفاهی (گاه به کمک رایانه)	توصیف شفاهی تقلیل یافتن به کدهای عددی برای تحلیل رایانه‌ای	نوع داده و آمادگی
تحلیل شخصی پس از کدگذاری دستی یا رایانه‌ای؛ غالباً به صورت غیرکمی انجام تحلیل طی انجام طرح تمرکز پژوهشگر برای مشاهده چهارچوب پدیده موردنظر (وضوح کمتر تمایز بین وقایع و قضاوت‌ها)	تحلیل رایانه‌ای (بیشتر به صورت روش‌های آماری و ریاضی) امکان انجام تحلیل طی انجام طرح حفظ تمایز واضح بین وقایع و قضاوت‌ها	تحلیل داده‌ها
سطح عمیق‌تر ادراک؛ وابسته به نوع و کیفیت سؤالات باز امکان شکل‌گیری و آزمون بینش‌ها طی فرایند به‌دلیل مشارکت پژوهشگر در جمع‌آوری داده‌ها	محدود به فرصت بررسی پاسخ‌دهندگان و کیفیت ابزار جمع‌آوری داده‌های اولیه بینش‌ها پیر و جمع‌آوری و ورود داده‌ها و محدود به توانایی مصاحبه‌مجدد با مشارکت‌کنندگان	بینش‌ها و معانی
ممکن است با مشاهده پژوهش یا از طریق مصاحبه‌های ضبط‌شده مشارکت کند	تماس مستقیم یا غیرمستقیم با مشارکت‌کننده به‌ندرت رخ می‌دهد	دخالت متقاضی پژوهش
کوچک بودن نمونه موجب کوتاه‌شدن جمع‌آوری داده‌ها و گردش سریع‌تر می‌شود ارائه دیدگاه‌ها هم‌زمان با پیشرفت پژوهش، تحلیل را کوتاه‌تر می‌کند.	بزرگ بودن نمونه موجب طولانی‌شدن جمع‌آوری داده‌ها می‌شود؛ روش‌های الکترونیکی گردش کار را کوتاه می‌کند ولی برای بیشتر مطالعات مناسب نیست. ارائه دیدگاه پس از جمع‌آوری و ورود داده‌ها فرایند پژوهش را طولانی می‌کند	بازخور

روش کیفی	روش کمی	
امنیت بالاتر به دلیل دسترسی‌های محدودتر و اندازه نمونه کوچک‌تر	انجام پژوهش اغلب به اطلاع رقبا می‌رسد؛ ممکن است در برخی مطالعات مشهود و میدانی، دیدگاه‌ها توسط رقبا جمع‌آوری شود	امنیت داده‌ها

منبع: کوپر و شیندلر (۲۰۱۴: ص ۱۴۷) و علی‌احمدی و غفاریان (۱۳۸۲: ص ۲۴۹)

تاکنون تقسیم‌بندی‌های گوناگونی برای پژوهش‌های علمی انجام شده و آنها را براساس معیارهای مختلف از جمله هدف، ماهیت و روش تقسیم‌بندی می‌کنند. پژوهش‌های علمی براساس ماهیت و روش به انواع زیر تقسیم‌بندی می‌شوند (حافظ‌نیا، ۱۳۹۲: ص ۲۲):

الف- پژوهش‌های تاریخی: پژوهش‌هایی که با استفاده از اسناد و مدارک معتبر انجام می‌شود تا بتوان از این طریق ویژگی‌های عمومی و مشترک پدیده‌ها و حوادث تاریخی و دلایل آنها را تبیین کرد.

ب- پژوهش‌های توصیفی: در پژوهش‌های توصیفی پژوهشگر به دنبال چگونه‌بودن موضوع است و می‌خواهد بداند پدیده، متغیر، شیء یا مطلب چگونه است؛ به عبارت دیگر، این نوع پژوهش، وضع موجود را بررسی می‌کند و به توصیف منظم و نظام‌دار وضعیت فعلی آن می‌پردازد و ویژگی‌ها و صفات آن را مطالعه و در صورت لزوم ارتباط بین متغیرها را بررسی می‌کند. این‌گونه پژوهش‌ها از نظر شیوه نگرش و پرداختن به مسئله پژوهش به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱. پژوهش‌های توصیفی محض: پژوهشگر صرفاً به کشف و تصویرسازی ماهیت، ویژگی‌ها و وضعیت موجود موضوع و مسئله پژوهش می‌پردازد.

۲. پژوهش‌های توصیفی-تحلیلی: پژوهشگر علاوه بر تصویرسازی آنچه هست به تشریح و تبیین دلایل چگونه‌بودن و چرایی وضعیت مسئله و ابعاد آن می‌پردازد. محقق برای تبیین و توجیه دلایل، نیاز به تکیه‌گاه استدلالی محکمی دارد. این تکیه‌گاه از طریق جست‌وجو در ادبیات و مباحث نظری پژوهش و تدوین گزاره‌ها و قضایای کلی موجود درباره آن فراهم می‌شود که معمولاً در فصل مربوط به سوابق و مباحث نظری پژوهش تدوین می‌شوند. پژوهشگر از نظر منطقی جزئیات مربوط به مسئله پژوهش خود را با گزاره‌های کلی مربوط ارتباط می‌دهد و به نتیجه‌گیری می‌پردازد.

ج- پژوهش‌های همبستگی: این پژوهش‌ها برای کسب اطلاع از وجود رابطه بین متغیرها انجام می‌پذیرد، ولی در آنها الزاماً کشف رابطه علت و معلول موردنظر نیست. در پژوهش همبستگی بر

کشف وجود رابطه بین دو گروه از اطلاعات تأکید می‌شود.

د- پژوهش‌های علی: در این‌گونه پژوهش‌ها کشف علت‌ها یا عوامل بروز یک رویداد یا حادثه یا پدیده موردنظر است. پژوهشگر در متغیرها دخل و تصرفی نداشته، اساساً حضور ندارد. بلکه پژوهش علی را انجام می‌دهد تا این متغیرها و عواملی را که باعث بروز واقعه شده است را شناسایی کند.

ه- پژوهش‌های تجربی: این نوع پژوهش‌ها بر شناخت رابطه علت و معلولی بین متغیرها تأکید دارد و سخن از مطالعه رابطه یک‌سویه و تأثیر مستقل (علت) بر متغیر تابع (معلول) است و در پایان پژوهشگر به‌طور قاطع نظر می‌دهد که چنین رابطه‌ای وجود دارد یا ندارد.

آسیب‌شناسی پژوهش‌های فقه مالی

به منظور آسیب‌شناسی پژوهش‌های مالی اسلامی از منظر روش پژوهش، نمونه‌ای متشکل از مقالات منتشرشده در نشریات علمی پژوهشی معتبر داخلی بررسی شد. بدین منظور هفت نشریه که بیشترین حجم انتشار مقالات مرتبط با مالی اسلامی را به خود اختصاص داده‌اند بررسی شدند. تا حد امکان سعی شده است تمامی مقالات مرتبط با مالی اسلامی در این نشریات در تمامی ادوار منتشرشده، در نظر گرفته شوند. همچنین، در بین مقالات بررسی‌شده، مقالاتی انتخاب شده است که ارتباط بیشتری با مباحث مالی اسلامی داشته و به‌طور عمده نیازمند بررسی فقهی مالی بوده‌اند؛ از این رو، مقالاتی که مباحث مالی اسلامی در آنها به‌صورت حاشیه‌ای مطرح شده یا فقه مالی در آنها جایگاه چندانی نداشته‌اند، جزء نمونه پژوهش قرار نگرفته‌اند. عناوین نشریات و تعداد مقالات بررسی‌شده در هر یک از آنان در جدول ۲ نشان داده شده است.

بررسی نمونه پژوهش نشان می‌دهد، حدود ۴۷ درصد از مقالات مالی اسلامی، فاقد روش پژوهش مشخص است. اولین نکته‌ای که در این مقالات در خصوص روش پژوهش، قابل توجه است، کثرت روش‌های مورداستفاده با عناوین مختلف است. برخی از این روش‌ها که در مقالات مختلف استفاده شده‌اند، عبارت‌اند از: توصیفی تحلیلی، توصیفی تحلیلی و اسنادی، توصیفی تحلیلی استنباطی، توصیفی اکتشافی، تحلیلی اکتشافی، اکتشافی کاربردی، تحلیلی کاربردی، تحلیل منطقی، تفسیری، تحلیلی استنباطی، کتابخانه‌ای، نظرسنجی از خبرگان، مطالعه تطبیقی، تحلیلی سیستمی، اجتهادی، فقهی اجتهادی، فقهی تحلیلی، کشفی، داده‌بنیاد، تحلیل محتوا و...

جدول ۲. روش پژوهش مقالات مرتبط با مالی اسلامی در نشریات پژوهشی موردبررسی

عنوان نشریه	اقتصاد اسلامی	تحقیقات مالی اسلامی	مطالعات اقتصاد اسلامی	معرفت اقتصاد اسلامی	تحقیقات مالی	بورس اوراق بهادار	پژوهش‌های اقتصاد ایران	جستارهای اقتصادی ایران	مجموع
توصیفی تحلیلی	۲۰	۰	۱	۳	۱	۰	۰	۵	۳۰
توصیفی	۴	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۷
توصیفی اکتشافی	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۲
اکتشافی کاربردی	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱
تحلیلی اکتشافی	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱
تحلیلی کاربردی	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۱
تحلیلی استنباطی	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱
تحلیل منطقی	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱
تفسیری	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱
نظرسنجی از خبرگان	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱
کتابخانه‌ای	۴	۰	۰	۲	۰	۲	۰	۰	۸
تحلیل محتوا	۲	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۲	۵
مطالعه تطبیقی	۱	۰	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۳
تحلیلی سیستمی	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱
فقهی	۰	۰	۰	۳	۰	۰	۰	۰	۳
اجتهادی	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱
داده‌بنیاد	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱
بدون روش تحقیق	۲۹	۷	۶	۲	۰	۳	۲	۱۱	۶۰
مجموع	۶۶	۱۰	۹	۱۳	۲	۶	۳	۱۹	۱۲۸

ماخذ: تحقیقات مولفان

در جدول ۲، روش‌هایی که به یکدیگر شباهت داشته‌اند و با عنوان‌های مختلف در مقالات ذکر شده‌اند، در حد امکان با یک عنوان ذکر شده‌اند. همان‌طور که مشخص است بیشترین روش پژوهش استفاده‌شده در مقالات مرتبط به مالی اسلامی، مربوط به روش توصیفی تحلیلی است. برخی از این روش‌ها نیز مربوط به جنبه‌های غیرفقهی مقالات است، ولی به‌عنوان روش کلی مقاله معرفی شده است. برخی از آنها نیز تنها ابزار گردآوری داده‌ها محسوب می‌شود و به‌عنوان روش تحقیق در نظر گرفته نمی‌شود. مانند روش کتابخانه‌ای و نظرسنجی از خبرگان. برخی روش‌ها حتی در حد عنوان، در کمتر کتاب روش تحقیق یافت می‌شود و پژوهشگران برای تبیین آن روش به منبع مشخصی ارجاع نداده‌اند.

همان‌طور که این بررسی نشان می‌دهد، در پژوهش‌های این حوزه نوعی از هم‌گسیختگی و عدم انسجام در بررسی موضوعات مالی از لحاظ فقهی به چشم می‌خورد و این امر ضرورت طراحی و به‌کارگیری الگوی مسنجم و قابل قبول را آشکار می‌کند؛ از این‌رو، در بخش بعد الگوی اجتهاد چندمرحله‌ای در فقه مالی معرفی و مراحل آن تشریح می‌شود.

معرفی الگوی اجتهاد چندمرحله‌ای در فقه مالی

چالشی که به‌صورت مشخص پژوهش‌های فقه مالی با آن مواجه هستند، بین‌رشته‌ای بودن موضوعات است. از یک‌سو، پژوهشگران عرصه مالی اسلامی، تسلط کافی بر ظرافت‌های فقهی ندارند و اگر هم بخواهند موضوعات را برای مراجع تقلید تبیین کنند، آشنایی به حساسیت‌های لازم فقهی را ندارند؛ از سوی دیگر، همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، به دلیل تنوع و تکثر علوم و دانش بشری در حوزه‌های مختلف و افزایش پیچیدگی روزمره آن، امکان موضوع‌شناسی عمیق در همه رشته‌های علوم و از جمله دانش مالی اسلامی برای مراجع عظام تقلید وجود ندارد و در نتیجه نمی‌توان به جواب یک استفتای ساده که خیلی از جزئیات موضوع مالی در آن باز نشده، اعتماد کرد؛ از این‌رو، مناسب است تا با ایجاد یک حلقه واسطه از خبرگان فقهی-مالی بین مراجع عظام تقلید و پژوهشگر فقه مالی، با روش دقیق‌تری به بررسی موضوعات فقه مالی پرداخته شود. بر این اساس، الگوی اجتهاد چندمرحله‌ای در فقه مالی، با ایجاد این حلقه واسطه تلاش می‌کند تا از یک‌سو به پژوهشگر برای دستیابی به بینش فقهی عمیق‌تر کمک کند و از سوی دیگر، فرایند موضوع‌شناسی در مسائل مالی را برای فقها و مراجع عظام تقلید تسهیل کند.

شایان ذکر است فرآورده‌های حاصل از اجتهاد یعنی پذیرش یک ادعای معرفتی حاصل از منابع

دینی به روش تجربی نیازی ندارد. بلکه محک و ملاک صدق و کذب آن، همان روش اجتهاد دینی است؛ در واقع، پیش‌فرض کسانی که چنین الزامی را تجویز می‌کنند این است که تنها روش مقبول و معتبر همگانی برای کشف علوم انسانی و طبیعی، روش تجربی است. حال آنکه روش‌ها از حیث تعمیم و عدم تعمیم، فی‌نفسه خنثی هستند و چون بر پیش‌فرض‌های خاص خود مبتنی هستند، تنها در صورت اثبات و پذیرش آن پیش‌فرض‌ها از سوی دانشمندان، امکان تعمیم و مقبولیت همگانی می‌یابد. از این‌رو، روش‌های معتبر عام دیگری مثل روش عقلی یا روش‌های ترکیبی نیز می‌توان داشت که امروزه معرفت‌شناسان معاصر نیز به آن توجه دوباره‌ای کرده‌اند (حسنی و علی‌پور، ۱۳۸۶: صص ۳۳-۳۰)؛ بنابراین، اگر روش اجتهادی را با فرض قبول اصول و پیش‌فرض‌های آن پذیرفته و به‌کار بستیم، آنگاه اعتبار معرفت‌بخشی این روش را نیز پذیرفته‌ایم و فرآورده‌های حاصل از آن به‌طور مستقل از هر چیز دیگری، از جمله روش تجربی، اعتبار خواهد داشت. البته این سخن به معنای آن نیست که روش تجربی ارزش و قیمتی در پارادایم اجتهادی ندارد. بی‌شک نتایج تجربی می‌تواند نقش یک قرینه خارجی را نسبت به اکتشافات اجتهادی ایفا کند، چنان‌که نتایج روش اجتهادی نیز می‌تواند به‌مثابه قرینه در تولیدات تجربی مؤثر باشد (حسنی و علی‌پور، ۱۳۸۶: صص ۳۴-۳۳). در ادامه مراحل اصلی الگوی اجتهاد چندمرحله‌ای تبیین می‌شود.

مراحل الگوی اجتهاد چندمرحله‌ای در فقه مالی

مراحل روش پژوهش اجتهاد چندمرحله‌ای در فقه مالی به شرح زیر است:

۱. شناسایی و انتخاب موضوع مالی: در اولین گام از این روش، پژوهشگر مالی براساس شناخت خود از موضوعات مطرح در زمینه دانش مالی، به انتخاب موضوع می‌پردازد. در انتخاب موضوع، عواملی چون علاقه پژوهشگر، پیشینه موضوعات مالی، تقاضاهای بیرونی و... اثرگذار است. شایان ذکر است این روش درباره موضوعاتی در حوزه دانش مالی و به‌ویژه مالی اسلامی مطرح است که مربوط به فقه مالی می‌شود یا دست‌کم بخشی از کار پژوهش نیازمند بررسی فقهی باشد. در عین حال، لازم است صرف‌نظر از جنبه‌های فقهی، پژوهشگر جنبه‌های دیگر موضوع که احیاناً در استخراج نتایج دخیل خواهد بود را نیز به‌خوبی موشکافی کند تا ماهیت موضوع برای خودش کاملاً روشن باشد.

در زمینه انتخاب موضوع دو نکته مهم قابل توجه است: اول اینکه پژوهشگری که مایل به انجام پژوهش در زمینه مالی اسلامی است، باید دانش مالی متعارف در آن حوزه پژوهشی را

به خوبی بشناسد تا با شناخت کامل از ماهیت موضوع در مالی متعارف، به بررسی آن در حوزه مالی اسلامی پردازد؛ دوم اینکه لازم است پژوهشگر حوزه مالی اسلامی، دست کم آشنایی نسبی با مباحث فقه مالی داشته باشد و این گونه نباشد که بدون هیچ مطالعه و سابقه پیشین قدم در این عرصه بگذارد. زیرا در غیر این صورت ممکن است به نتایجی دست یابد که با اصول و مبانی شریعت اسلام سازگار نباشد یا اعتبار کافی نداشته باشد.

۲. تعیین ابعاد فقهی موضوع مالی: در این مرحله، جنبه های فقهی موضوع انتخاب شده مشخص می شود و تا حد امکان به صورت سؤال های مشخص جهت شفاف شدن موضوع برای پژوهشگر مطرح می شود. هر چه در این مرحله سؤال های دقیق تری مطرح شود، در ارزیابی و حصول نتیجه کار پژوهشگر آسان تر می شود.

۳. بررسی مستندات فقهی در رابطه با موضوع: پس از تبیین ابعاد فقهی موضوع، پژوهشگر باید مستندات فقهی موجود در رابطه با موضوع را بررسی کند. این مستندات شامل کتب فقهی مشهور، پژوهش های فقهی مرتبط با موضوع و به طور کلی هر گونه منبع معتبری است که بتوان با استفاده از آن ابعاد فقهی موضوع را واکاوی کرد. در این راستا مناسب است پژوهشگر به پژوهش هایی که در موارد دیگر به بررسی فقهی موضوع مالی مشابه پرداخته اند، مراجعه کند و با آگاهی نسبت به نحوه استدلال آنها، در صورت لزوم از فرایند یا نتایج آنها نیز استفاده کند.

۴. تطبیق ابعاد فقهی موضوع با مستندات فقهی: در این مرحله، پژوهشگر بر اساس شناخت ماهیت موضوع و منابع فقهی بررسی شده، جنبه های فقهی موضوع را با نظرات و آرای موجود در آن زمینه محک می زند و بر اساس استدلال های منطقی مبتنی بر منابع فقهی، به مطابقت دادن ابعاد فقهی موضوع با مستندات فقهی و طرح دیدگاه خود (که برخاسته از بررسی فقهی است) می پردازد. از آنجاکه ممکن است پژوهشگر به دلیل عدم کاوش فقهی عمیق و ناآشنایی با برخی جنبه های ظریف، در تطبیق موضوع اشتباه کرده باشد، در مرحله بعد با کمک خبرگان فقهی مالی به تقویت یا اصلاح دیدگاه خود می پردازد.

۵. انتخاب خبرگان فقهی مالی: در این مرحله پژوهشگر باید موضوع فقهی مورد بررسی را در معرض آرا و نظرات خبرگان فقهی آشنا به مباحث مالی قرار دهد. شایان ذکر است منظور از خبرگان فقهی در اینجا مراجع عظام تقلید نیست، بلکه افرادی متخصص در حوزه فقه مالی هستند که در صورت داشتن حداقل دو شرط از موارد زیر توسط پژوهشگر انتخاب می شوند:

- دارا بودن حداقل مدرک دوره «سطح ۴» تحصیلات حوزوی؛

- دارابودن حداقل مدرک کارشناسی ارشد در یکی از رشته‌های مرتبط با اقتصاد یا مالی؛
- داشتن پنج مقاله پژوهشی یا کتاب در حوزه فقه مالی؛
- عضویت در کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار؛
- عضویت در کمیته فقهی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران؛
- داشتن حسن شهرت به‌عنوان صاحب‌نظر فقه مالی.

درواقع، این گروه از خبرگان فقهی-مالی، به‌عنوان حلقه واسط بین پژوهشگر و مراجع عظام تقلید، از یک سو به تقویت واکاوی فقهی و فهم عمیق پژوهشگر در حوزه فقه مالی و از سوی دیگر، به تسهیل فرایند موضوع‌شناسی برای مراجع عظام تقلید کمک می‌کنند. لازم است در این مرحله با توجه به شرایط ذکر شده، دست‌کم پنج نفر به‌عنوان خبره انتخاب شوند. پرواضح است که هرچه پیچیدگی موضوع بیشتر باشد، انتخاب تعداد بیشتر خبرگان ضروری‌تر می‌شود و بر اعتبار نتایج حاصل افزوده خواهد شد.

۶. گردآوری و جمع‌بندی نظرات خبرگان فقهی-مالی: پس از انتخاب خبرگان فقهی-مالی، آرا و نظرات آنها در رابطه با موضوع موردبررسی گردآوری می‌شود. در این مرحله می‌توان از فنون و روش‌های متداول روش پژوهش که در پژوهش‌های کیفی نیز رایج است، برای جمع‌آوری آرای خبرگان استفاده کرد. برای مثال روش‌هایی مانند طوفان فکری، دلفی، گروه کانونی، داده‌بنیاد، تحلیل گفتمان و مانند آن می‌توانند در گردآوری نظرات و آرای صاحب‌نظران مفید باشند. پس از گردآوری و جمع‌بندی آرای نهایی ممکن است دو حالت پدید آید:

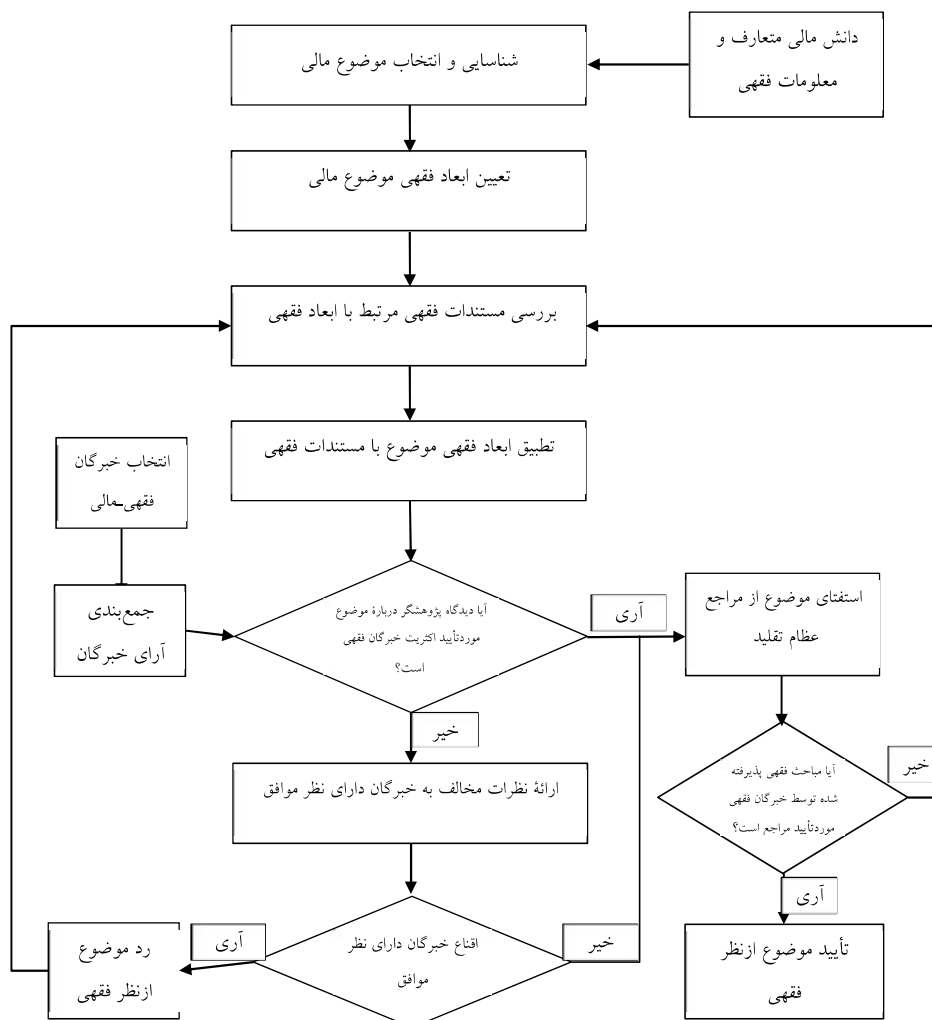
الف- موافقت اکثریت خبرگان با دیدگاه پژوهشگر: در این حالت، با توجه به پشتوانه مستحکم‌تری که دیدگاه پژوهشگر پیدا کرده و موضوع نیز از جهت فقهی بهتر تبیین شده است، جمع‌بندی نظرات به همراه چکیده ادله، جهت استفتاء به مراجع عظام تقلید (حداقل نه نفر از مراجع معروف) ارائه می‌شود.

ب- عدم موافقت اکثریت خبرگان با دیدگاه پژوهشگر: در این صورت نظرات خبرگان مخالف به همراه ادله آنها، به خبرگان موافق ارائه می‌شود. اگر خبرگان موافق با آگاهی از نظرات مخالفان، نظر خود را تغییر دادند و آنها نیز به مخالف تبدیل شدند، در حالتی که بتوان گفت اکثریت خبرگان دیدگاه پژوهشگر را پذیرفته و مخالف آن بوده‌اند، دیدگاه وی رد می‌شود و باید با رجوع به مرحله سوم و انجام بررسی عمیق‌تر، یا دیدگاه خود را اصلاح کند یا با ادله محکم‌تر و به‌صورت مستدل‌تر دیدگاه خود را دوباره در معرض آرای خبرگان فقهی-مالی قرار دهد.

در صورتی که خبرگان موافق با آگاهی از نظرات مخالفان، نظر خود را تغییر ندادند، جمع‌بندی

نظرات به همراه چکیده ادله، جهت استفتا به مراجع عظام تقلید (حداقل نه نفر از مراجع معروف) ارائه می شود.

۷. دریافت آرای مراجع عظام تقلید: در حالی که اکثریت خبرگان با دیدگاه پژوهشگر موافق باشند و یا با ارائه دیدگاه مخالفان به موافقان و عدم اقباع خبرگان موافق، دیدگاه پژوهشگر جهت استفتا به مراجع عظام تقلید (حداقل نه نفر از مراجع معروف) ارائه می شود. در صورت تأیید دیدگاه توسط اکثریت مراجع مشهور شیعه، دیدگاه پژوهشگر مورد تأیید قرار می گیرد. در غیر این صورت، دیدگاه وی رد می شود و باید با رجوع به مرحله سوم و انجام بررسی عمیق تر، یا دیدگاه خود را اصلاح کند یا با ادله محکم تر و به صورت مستدل تر دیدگاه خود را دوباره در معرض آرای خبرگان فقهی - مالی قرار دهد. الگوی اجتهاد چند مرحله ای در فقه مالی به طور مختصر در قالب شکل ۱ توضیح داده شده است.



شکل ۱. الگوی اجتهاد چند مرحله ای در فقه مالی

به منظور تبیین بهتر الگوی اجتهاد چندمرحله‌ای در فقه مالی، این روش در قالب یک مثال توضیح داده می‌شود. فرض کنید پژوهشگری در مطالعات خود با ابزار مالی جدیدی به نام «سواپ نکول اعتباری»^۱ در حوزه «مشتقات اعتباری»^۲ در دانش مالی متعارف روبه‌رو شود و بخواهد این ابزار را از نظر فقه مالی بررسی کند. در این صورت لازم است ابتدا ابعاد مختلف سواپ نکول اعتباری در دانش مالی متعارف را بشناسد و اشراف کاملی به مفهوم، پیشینه، کارکرد و سایر ابعاد این ابزار مالی پیدا کند. سپس موضوع «بررسی فقهی و مالی سواپ نکول اعتباری از دیدگاه فقه امامیه» توسط پژوهشگر انتخاب می‌شود تا با اتکا به دانش خود در زمینه مالی متعارف و مالی اسلامی (به‌ویژه در زمینه مباحث فقهی) و بهره‌مندی از منابع پژوهش، به اجرای پژوهش بپردازد. با توجه به موضوع مطرح شده در مرحله اول، بررسی جنبه‌های فقهی در ابزار سواپ نکول اعتباری باید مدنظر قرار گیرد. بدین منظور لازم است پیشینه پژوهش‌های مرتبط با بررسی فقهی ابزارهای مشابه سواپ نکول اعتباری به‌طور کامل بررسی شود و پژوهشگر حیطه موضوع و نوآوری خود را به‌طور کامل مشخص کند. براساس ضوابط عمومی و اختصاصی قراردادها، برخی از جنبه‌های فقهی قابل بررسی در این موضوع عبارت‌اند از: بررسی قاعده اصل صحت در سواپ نکول اعتباری، بررسی قاعده ممنوعیت ربا در سواپ نکول اعتباری، بررسی قاعده ممنوعیت غرر در سواپ نکول اعتباری و... در این راستا ممکن است سؤال‌هایی بدین شرح تدوین شود:

- آیا سواپ نکول اعتباری در قالب عقود اسلامی موجود پذیرفتنی است یا باید به‌عنوان یک قرارداد جدید بررسی شود؟
- آیا مشکل ربا (قرضی و معاملی) در قرارداد سواپ نکول اعتباری وجود دارد؟
- آیا مشکل غرر در قرارداد سواپ نکول اعتباری وجود دارد؟
-

پژوهشگر با مراجعه به منابع فقهی موجود، ابتدا به‌طور مختصر مفهوم غرر را در منابع فقهی مختلف بررسی می‌کند و دیدگاه منتخب خود در رابطه با غرر را مشخص می‌کند (برای مثال تعریف و شرایط غرری بودن معامله در نگاه فقهای مشهور شیعه را ملاک قرار می‌دهد) و با بررسی ماهیت سواپ نکول اعتباری و سازوکار انتشار آن در نظام مالی متعارف، استدلال می‌کند که با توجه به تعریف غرر در منابع فقهی و نظر مشهور فقهای شیعه، به دلیل مشابهت آن به قرارداد بیمه،

1. Credit Default Swap
2. Credit Derivatives

مشکل غرر در این ابزار وجود ندارد. سپس هفت نفر از خبرگان فقهی-مالی را براساس ملاک‌های مطرح شده انتخاب می‌کند و با انجام مصاحبه‌های حضوری و غیر حضوری، دیدگاه خود را در رابطه با غرری بودن سوآپ نکول اعتباری با آنها در میان می‌گذارد و نظرات هریک از آنان را جویا می‌شود. در صورت نیاز، پژوهشگر می‌تواند با برگزاری یک یا چند نشست مشترک بین خبرگان، امکان تضارب آرا را بهتر فراهم کند.

پس از جمع‌آوری نظرات خبرگان و جمع‌بندی آنها مشخص می‌شود که چهار نفر از آنان، دیدگاه پژوهشگر را تأیید نمی‌کنند و معتقدند در این ابزار به دلیل عدم اطمینان نامعقول، مشکل غرر وجود دارد؛ بنابراین، پژوهشگر، استدلال مخالفان (قائلین به غرری بودن) را به موافقان ارائه می‌کند. باین وجود، موافقان استدلال مخالفان را نمی‌پذیرند. در نتیجه جهت دریافت فتوا، موضوع همراه با استدلال موافقان و مخالفان، به نه نفر از مراجع عظام تقلید عرضه می‌شود. در صورتی که اکثریت مراجع عظام تقلید، غرری نبودن سوآپ نکول اعتباری را تأیید کنند، دیدگاه پژوهشگر تأیید می‌شود؛ در غیر این صورت، دیدگاه وی رد می‌شود و غرری بودن این ابزار مالی با توجه به نظر اکثریت مراجع عظام تقلید مشخص می‌شود. در صورتی که پژوهشگر بر دیدگاه خود اصرار دارد، می‌تواند با بررسی بیشتر موضوع و تجدیدنظر در نحوه استدلال یا تبیین موضوع، بار دیگر فرایند فوق را تکرار کند.

نتیجه‌گیری

فقه مالی مجموعه‌ای از قواعد و مباحث فقهی در خصوص امور مالی و اقتصادی است که توسط فقهای متقدم و متأخر مطرح شده است. با توجه به اهمیت امور مالی در قوام جوامع و نقش آن در سرنوشت مادی و معنوی افراد و جوامع، باید با حساسیت و ظرافت بیشتری به مباحث فقه مالی پرداخته شود. در هریک از شاخه‌های علوم، داشتن روش پژوهش منسجم و منظم می‌تواند موجب دستیابی به نتایج بهتر و مطمئن‌تر شود. دانش مالی به‌عنوان یکی از شاخه‌های علوم انسانی که در چند دهه گذشته روند روبه‌رشد سریعی را طی کرده است، با نوآوری‌های زیادی مواجه است و در این میان مالی اسلامی به‌عنوان یکی از شاخه‌های دانش مالی، توجه بسیاری از مسلمانان و حتی غیرمسلمانان را به خود جلب کرده است.

بررسی‌های صورت‌گرفته در این مقاله نشان داد پژوهشگران عرصه مالی اسلامی به منظور بررسی فقهی موضوعات مطرح در مالی متعارف و یا طراحی شیوه‌ها و ابزارهای نوین در مالی

اسلامی، از روش‌ها و رویکردهای گوناگونی در پژوهش‌های خود استفاده می‌کنند و گاه حتی بدون اتکا به روش مشخص، به انجام پژوهش در این حوزه مبادرت می‌کنند که این امر موجب کاهش اعتبار نتایج و بروز تناقض در نتایج پژوهش‌های گوناگون می‌شود.

فلسفه طرح روش اجتهاد چندمرحله‌ای در فقه مالی بر دو نکته استوار است: اول اینکه بیشتر پژوهشگران عرصه مالی اسلامی، تسلط کافی بر ظرافت‌های فقهی ندارند و اگر هم بخواهند موضوعات را برای مراجع تقلید تبیین کنند، آشنایی به حساسیت‌های لازم فقهی را ندارند؛ از سوی دیگر، به دلیل تنوع و تکثر علوم و دانش بشری در حوزه‌های مختلف و افزایش پیچیدگی روزمره آن، امکان موضوع‌شناسی عمیق در همه رشته‌های علوم و از جمله دانش مالی اسلامی برای مراجع عظام تقلید وجود ندارد و در نتیجه نمی‌توان به جواب یک استفتای ساده که خیلی از جزئیات موضوع مالی در آن باز نشده، اعتماد کرد؛ از این رو، مناسب است تا با ایجاد یک حلقه واسط از خبرگان فقهی-مالی بین مراجع عظام تقلید و پژوهشگر فقه مالی، با روش دقیق‌تری به بررسی موضوعات فقه مالی پرداخت.

در این مقاله با معرفی روش پژوهش اجتهاد چندمرحله‌ای در فقه مالی، سعی شد تا ابزار مناسبی به پژوهشگران فقه مالی، به منظور بررسی موضوعات مطرح در این حوزه ارائه شود و پژوهشگران بتوانند با اتخاذ این روش، به نتایج معتبرتری دست پیدا کنند. شایان ذکر است این رویکرد را می‌توان در سایر شاخه‌های علوم انسانی نیز با توجه به اهداف و ویژگی‌های هر رشته مورد استفاده قرار داد.

اجرای این رویکرد ممکن است با برخی چالش‌ها به‌ویژه در حوزه عمل مواجه باشد که برخی از آنها به همراه پیشنهادهایی برای رفع چالش‌ها به شرح زیر مطرح شده است:

- محدود بودن تعداد خبرگان فقهی-مالی: با توجه به تخصصی بودن موضوعات فقه مالی، گرچه در سالیان اخیر پیشرفت خوبی در زمینه ترتیب متخصصان فقه مالی وجود داشته، هنوز هم تعداد خبرگان فقهی-مالی در کشور محدود بوده و با توجه به کثرت پژوهش‌های این حوزه امکان بهره‌مندی همه پژوهشگران از صاحب‌نظران فقه مالی وجود ندارد. در این راستا باید برنامه‌هایی در جهت تربیت متخصصان فقه مالی به‌ویژه از سوی حوزه‌های علمیه طراحی شود و افراد توانمند و علاقه‌مند به مباحث مالی به‌طور تخصصی و حتی در طی گذراندن تحصیلات حوزوی با مباحث مالی آشنا شوند. شایان ذکر است برخی اندیشمندان اسلامی همچون شهید مطهری بر اساس ضرورت تقسیم کار در فقه

و به وجود آمدن رشته‌های تخصصی، پیشنهاد مجتهد متجزی را مطرح کرده‌اند. مجتهد متجزی، مقابل مجتهد مطلق بوده و به معنای توانایی استنباط برخی از احکام شرعی در بعضی از ابواب فقه است. به مجتهدی که دارای چنین خصوصیتی است مجتهد متجزی می‌گویند. هر چند این دیدگاه تاکنون وجه غالب پیدا نکرده و دیدگاه‌های موافق و مخالف آن وجود دارد، به نظر می‌رسد گسترش دایره علوم در شاخه‌های مختلف و سرعت تغییر و تحولات در هریک از شاخه‌های علوم، ضرورت بررسی دقیق‌تر این پیشنهاد را بیش از پیش آشکار کرده است.

- زمان بر بودن پژوهش: هر چند انجام یک پژوهش باکیفیت، مستلزم حوصله و صرف زمان کافی است، تا حد امکان باید در وقت صرفه‌جویی کرد. در روش اجتهاد چند مرحله‌ای برای فقه مالی، جمع‌آوری آرای خبرگان فقهی و نظرات مراجع عظام تقلید ممکن است به طول بینجامد؛ از این رو، پیشنهاد می‌شود پژوهشگران مالی اسلامی تا حد امکان از بسترهای الکترونیکی جهت تسریع در جمع‌آوری آرا و نظرات استفاده کنند. به دلیل حساسیت و اهمیت موضوعات مالی و آثار مادی و معنوی آن در زندگی افراد جامعه، در نظر گرفتن تمهیدات و اقدامات مناسب از سوی دستگاه‌های ذی‌ربط شامل دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه، نهادهای مقررات‌گذار مالی همچون بانک مرکزی، سازمان بورس و اوراق بهادار و... نقش مؤثری در تسهیل و تسریع دسترسی به خبرگان فقهی-مالی خواهد داشت.
- وجود برخی دیدگاه‌های منفی درباره اعتبار روش و نتایج آن: به دلیل تسلط تجربه‌گرایان بر جریان اصلی علوم انسانی و اجتماعی در چهارچوب اثبات‌گرایی، از اهمیت تاریخی اندیشه بشری و نقش آرا و عقاید متفکران گذشته بر اندیشه‌های معاصر کاسته شده است. به گونه‌ای که گاه دیده می‌شود هرگونه نتایج و دستاوردهای پژوهش‌های صورت‌گرفته بر اساس روش‌های غیر تجربی و به اصطلاح بدون آزمون فرضیه، زیر سؤال می‌رود و معتبر شمرده نمی‌شود. این تفکر موجب شده تا روش‌هایی مانند اجتهاد و امثال آن نیز در بوتۀ نقد قرار گیرد و از حیث اعتبار نتایج به چالش کشیده شود. همان‌طور که گفته شد، در مقابل پارادایم اثبات‌گرایی، پارادایم‌های دیگری مانند ابطال‌گرایی و تفسیری مطرح شده است که نشان می‌دهد تنها نتایج حاصل از پارادایم اثبات‌گرایی معتبر نیست و می‌توان در چهارچوب‌های دیگری نیز به نتایج معتبر دست یافت. ضمن اینکه در اجتهاد و بررسی مباحث فقه مالی، همان‌طور که در تعریف اجتهاد هم ذکر شد، هدف لزوماً کشف واقع

نیست، بلکه هدف، حجیت و عمل به تکلیف توسط مجتهد و مقلد است. در پایان باید یادآور شد که نباید این روش به‌عنوان یک روش نهایی تلقی شود و پژوهشگران دیگر می‌توانند با اصلاح اشکالات و کاستی‌های احتمالی بر قوت و اعتبار آن بیفزایند؛ در واقع، زمانی می‌توان از این الگو به‌عنوان یک رویکرد عمومی و قابل قبول در پژوهش‌های فقه مالی استفاده کرد که در عمل مورد آزمون قرار گیرد و به دفعات کارایی آن اثبات شود.

کتابنامه

۱. اسکینی، ربیعا و مهربخش، مهرداد. ۱۳۹۱. «بررسی فقهی حقوقی شرکت‌های هرمی». فصلنامه حقوق. دوره ۴۲. شماره ۱. بهار ۱۳۹۱.
۲. باقری، خسرو. ۱۳۸۲. هویت علم دینی. تهران. سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳. بنتون، تد و یان کرایب. ۱۳۸۴. فلسفه علوم اجتماعی. ترجمه شهناز مسمی پرست و محمود متحد. تهران. آگه.
۴. ویکی فقه. ۱۳۹۵. فقه. پایگاه اینترنتی ویکی فقه (<http://test.wikifeqh.ir/>).
(<http://test.wikifeqh.ir/>).
۵. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۶. «اجتهاد و فقهت». روزنامه رسالت. شماره ۶۲۲۲. تاریخ ۱۳۸۶/۵/۲۷.
۶. _____ ۱۳۹۱. مفاتیح الحیاة. قم. مرکز نشر اسراء. چاپ شانزدهم.
۷. حافظنیا، محمدرضا. ۱۳۹۲. مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران. سازمان مطالعه و تدوین کتب سمت. چاپ نوزدهم.
۸. حسینی، سید حمیدرضا و علی پور، مهدی. ۱۳۸۶. «روش‌شناسی اجتهاد و اعتبارسنجی معرفتی آن». روش‌شناسی علوم انسانی. شماره ۵۰. بهار ۱۳۸۶.
۹. حسینی فاضل، سید مرتضی. ۱۳۹۰. احکام مالی. تهران. انتشارات زمزم هدایت. پژوهشکده تحقیقات اسلامی.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن. ۱۴۱۳ ق. وسائل الشیعه. بیروت. مؤسسه آل‌البیت لإحیاء التراث العربی. چاپ اول.
۱۱. حلی، جعفر بن حسن (محقق حلی). ۱۴۰۳ ق. شرایع الاسلام. بیروت. دارالاضواء.
۱۲. زکی، محمدباقر. ۱۳۹۰. «پارادایم اسلامی در علوم اجتماعی». ۱۳۹۰/۳/۲۷. پایگاه تخصصی علوم اجتماعی ایرانی (www.ejtemaee.ir).
۱۳. شکاری، عباس و حسین پور، محمد. ۱۳۹۰. «تقابل رویکردهای معرفت‌شناسی پژوهش کمی و کیفی در علوم انسانی و طبیعی: با تأکید بر رویکرد معرفت‌شناسی تلفیقی». فصلنامه پژوهش. سال سوم. شماره اول. بهار و تابستان ۱۳۹۰.
۱۴. صادقی فسائی، سهیلا و ناصری راد، محسن. ۱۳۹۰. «عناصر بنیادین پژوهش کیفی در علوم

- اجتماعی: هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و روش». مجله مطالعات اجتماعی ایران. دوره پنجم. شماره ۲. تابستان ۱۳۹۰.
۱۵. صدوقی، مجید. ۱۳۸۶. «کنکاش در مبانی فلسفی پژوهش کمی و کیفی در علوم رفتاری». روش‌شناسی علوم انسانی. سال سیزدهم. شماره ۵۲. پاییز ۱۳۸۶.
۱۶. طباطبائی، علامه سید محمدحسین؛ بازارگان، مهدی و موسوی مجتهد زنجانی، سید ابوالفضل. ۱۳۴۱. بحثی درباره مرجعیت و روحانیت. تهران. شرکت سهامی انتشار.
۱۷. علی‌احمدی، علیرضا؛ غفاریان، وفا. ۱۳۸۲. «اصول شناخت و روش تحقیق (با نگاهی به مطالعات تاریخی)». فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س). سال سیزدهم. شماره ۴۶ و ۴۷. تابستان و پاییز ۱۳۸۲.
۱۸. فنایی، ابوالقاسم ۱۳۷۴ الف. «جایگاه موضوع‌شناسی در اجتهاد». نقد و نظر. سال دوم. شماره پنجم.
۱۹. _____ ۱۳۷۴ ب. «مبانی اجتهاد (تأثیر معرفت‌بشری در معرفت‌دینی)». نقد و نظر. سال اول. شماره سوم و چهارم.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب الرازی. ۱۳۶۵. الکافی. تهران. دارالکتب الاسلامیه. چاپ چهارم.
۲۱. مجلسی، محمد باقر. ۱۴۰۳ ق. بحارالانوار. بیروت. دارالاحیاء التراث العربی.
۲۲. مطهری، مرتضی. ۱۳۸۱. اسلام و مقتضیات زمان. جلد دوم. تهران. انتشارات صدرا. چاپ سیزدهم.
۲۳. _____ ۱۳۸۲. ده گفتار. تهران. انتشارات صدرا. چاپ نوزدهم.
۲۴. منادی، مرتضی. ۱۳۸۵. «روش کیفی در علوم اجتماعی و علوم رفتاری». روش‌شناسی علوم انسانی. سال دوازدهم. شماره ۴۷. تابستان ۱۳۸۵.
۲۵. مؤسسه دایرةالمعارف الفقه الاسلامی. ۱۳۸۷. کتاب فرهنگ فقه فارسی. قم. انتشارات مؤسسه دایرةالمعارف الفقه الاسلامی.
۲۶. موسویان، سیدعباس. ۱۳۸۴. «بررسی فقهی-حقوقی قوانین مربوط به جرمه و خسارت تأخیر تأدیه در ایران». فصلنامه حقوق اسلامی، شماره ۴.
۲۷. _____ ۱۳۹۰. «بررسی فقهی معاملات فارکس». مصاحبه با خبرگزاری تقریب (۱۳۹۰/۱/۲۳).
۲۸. _____ ۱۳۹۱. بازار سرمایه اسلامی (۱). تهران. سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۲۹. موسویان، سید عباس و میسمی، حسین. ۱۳۹۳. **بانکداری اسلامی (۱): مبانی نظری - تجارب عملی**. تهران. انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی.
۳۰. میرمعزی، سید حسین. ۱۳۸۴. «بورس بازی از نگاه فقه». فصلنامه اقتصاد اسلامی. سال سوم. شماره نهم. صص ۶۴-۵۱.
۳۱. نوایی، علی اکبر. ۱۳۸۱. «موضوع شناسی فقهی و رابطه آن با علوم». پژوهش های اجتماعی اسلامی. خرداد و تیر ۱۳۸۱. شماره ۳۴.
۳۲. نوری، نجیب الله. ۱۳۸۹. «به کارگیری روش تلفیقی (سبعیدی) در مطالعات علوم انسانی». فصلنامه پژوهش. سال دوم. شماره دوم. پاییز و زمستان ۱۳۸۹.
33. Banks, E. 2010 **“The Palgrave Macmillan Dictionary of Finance”**. Investment, and Banking. Basingstoke [England]. New York: Palgrave Macmillan.
34. Cooper, R. Donald, Schindler, S. Pamela 2014. **Business Research Methods** 12 .th Edition. New York. McGraw-Hill/Irwin.
35. Gitman, L. J. & Zutter, C. J. 2014. **Principles of Managerial Finance**. 14th Edition. The Pearson series in finance.
36. Hassan, K. & Mahlknecht, M. 2011. **Islamic Capital Markets: Products and Strategies**. Wiley finance series. Chichester. West Sussex. U.K: Wiley.
37. IFSB. 2016. **IFSB Islamic Financial Services Industry Stability Report 2016**. Islamic Financial Services Board.
38. Iqbal, Z. & Mirakhor A. 2011. **An Introduction to Islamic Finance: Theory and Practice**. 2nd ed. Singapore: Wiley.
39. Krauss, E. S. 2005. **“Research Paradigms and Meaning Making: A Primer”**. The Qualitative Report. v. 10, N.4. p 597-770.
40. Lee, C. F., & Lee, A. C. 2013. **Encyclopedia of Finance**. Second edition. Springer.
41. Thiagaraja, S., Morgan, A., Tebbutt, A. & Chan, G. 2014. **The Islamic Finance Handbook: A Practitioner’s Guide to the Global Markets**. Wiley Finance Series.
42. Walliman, Nicholas. S. R. 2006. **Social Research Methods**. Sage Publications Ltd.

